



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 33, Issue 4, No.88, Winter 2023, pp. 1-28

Received: 14.02.2022 Accepted: 10.06.2022

Research Paper

At the Crossroad of Decision to Have Children: An Analysis of Individual and Social Childbearing Challenges in the Context of Low Fertility in Isfahan

Farideh Shams Ghahfarokhi

Ph.D. candidate in Demography, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
fshamsghahfarokhi@yahoo.com

Abbas Askari Nodoushan *

Associate Professor Demography, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
aaskarin@yazd.ac.ir

Hasan Eini Zinab

Associate Professor, Department of Community Nutrition, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
hassan.eini@gmail.com

Ali Ruhani,

Associate Professor, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
aliruhani@yazd.ac.ir

Mohammad Jalal Abbasi Shavazi

Professor, Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran
mabbasi@ut.ac.ir

Introduction

In low fertility settings, couple's decision to have children is usually a planned and complex decision that the couple makes based on consideration of their individual and family life on the one hand and considering the social and economic conditions of society on the other hand. Child-bearing is an individual action at the private or micro level. In fact, future-oriented decisions are associated with the decision-making process of whether or not to have a child. However, in recent years, this issue has been at the center of concerns at the societal levels. This study aimed to provide a deep understanding of decision-making processes and childbearing behaviors. Isfahan City as one of the low fertility contexts in Iran was an ideal research field for the present study. Recent estimates made by the Statistical Center of Iran showed that the total fertility rate of Isfahan Province in 2020 ranged between 1.3 and 1.5. It was expected that this figure for the city of Isfahan was even well below that of the provincial estimate. The sample of the present study included the single and married people of child-bearing ages, who were considered influential actors in childbearing.

Materials & Methods

The present paper employed an inductive qualitative method by using the Grounded Theory (GT) approach. The data was collected from 30 single and married men and women of childbearing ages by using in-depth interviews. The respondents were selected based on the gradual sampling strategies, which were mostly based on theoretical (theory-based) sampling, snowball sampling, and sampling with maximum variety. Lincoln and Guba's (1985) criteria were used to achieve the validity. First, a member check was applied so that after analyzing the findings, concepts, and

categories, some participants were asked to evaluate and express their views on the accuracy of the findings. Second, control was exercised by the scientific and expert counterparts on the subject. Third, data analysis and coding were performed by open, axial, and selective coding methods using Maxqda 2020 software package.

Discussion of Results & Conclusion

Based on our analysis and coding, 20 main categories were extracted from the data. The central category in this study was "value modification from parenting". The results

* Corresponding author

Shams Ghahfarokhi, F., Askari-Nodoushan, A., Eini-Zeinab, H., Ruhani, A., and Abbasi-Shavazi, M. J. (2023). At the crossroad of decision to have children: an analysis of individual and social childbearing challenges in the context of low fertility in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 33(4), 1-28.



generally reflected the fact that economic fears, futurism, social responsibility, and accumulated concerns engaged families in rational decision-making. Economic fears, job insecurity, and fragility of economic parameters, sick and unstable economy, and economic hardships that families faced were the key factors in creating doubts about childbearing among couples. The participants considered the decision of whether to have or not to have children. It was a responsible and informed decision that a couple could make and would thus bring requirements and obligations for them. These calculations not only led to a variety of strategies in the Iranian families, including delay in childbearing, preference for remaining childless or intending to be a single-child family, and desiring and planning for migration to another country, but also caused them to undergo a kind of metamorphosis and value shift regarding parenting and childbearing. Consequently, children lost their former status

and was replaced by other values. The findings of this study are in line with the risk aversion theory, as well as some other theoretical models that emphasize the effects of economic security and social support on fertility intentions and behaviors. The results also has policy implications for rising fertility levels. The success of the recent pronatalist population policy depends upon a realistic understanding of the couple's childbearing desires, as well as challenges and strategic plans to facilitate their reproductive ideals and intentions. Conducting research with mixed methods in the future, which combines both the quantitative and qualitative elements of research, can enhance understanding of fertility intentions and preferences.

Keywords: Childbearing, Reproductive Behavior, Rationality, Child Value, Grounded Theory



مقاله پژوهشی

در دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان

فریده شمس قهفرخی، دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

fshamsghahfarokhi@yahoo.com

عباس عسکری ندوشن*، دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران

aaskarin@yazd.ac.ir

حسن عینی زیناب، دانشیار جامعه‌شناسی، گروه تغذیه جامعه، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،

تهران، ایران

hassan.eini@gmail.com

علی روحانی، دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران

aliruhani@yazd.ac.ir

محمدجلال عباسی شوازی، استاد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mabbasi@ut.ac.ir

چکیده

در شرایط باروری پایین، تصمیم زوجین به فرزندآوری، بیشتر یک تصمیم برنامه‌ریزی‌شده و پیچیده است که زوجین از یکسو بر مبنای ملاحظه وضعیت زندگی فردی و خانوادگی خود و از سوی دیگر با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه آن را اتخاذ می‌کنند. کدام ملاحظه‌ها و چالش‌های کنونی خواست فرزندآوری زوجین ایرانی را صورت‌بندی می‌کند؟ در پژوهش حاضر برای پاسخ به این پرسش، کوشش شده است فهم کنش فرزندآوری و چالش‌های آن در بستر خانواده ایرانی در شهر اصفهان بررسی شود. داده‌های پژوهش با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای، نمونه‌گیری نظری و مصاحبه عمیق با ۳۰ زن و مرد مشارکت‌کننده گردآوری و داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تجزیه و تحلیل شد و در نهایت، بیست مقوله اصلی به دست آمد و بر اساس جمع‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها، مقوله هسته با عنوان «گذار ارزشی از فرزندآوری» معرفی شد. نتایج نشان داد که بیم و هراس‌های اقتصادی، آینده‌هراسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دغدغه‌های انباشته، تصمیم به فرزندآوری را درگیر محاسبات مبتنی بر عقلانی‌بودن ابزاری می‌کند. چنین محاسباتی نه تنها انواع راهبردها را در خانواده‌ها فعال، آنها را دچار نوعی دگردیسی و گذار ارزشی می‌کند. همچنین، برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی جمعیت، زمانی موفق است که با درک واقع‌بینانه از چالش‌های فرزندآوری زوجین، برای رفع آنها تلاش کنند.

واژه‌های کلیدی: فرزندآوری، رفتار باروری، عقلانی‌بودن، ارزش فرزند، نظریه زمینه‌ای.

* نویسنده مسؤول:

شمس قهفرخی، ف؛ عسکری ندوشن، ع؛ عینی زیناب، ح؛ روحانی، ع. و عباسی شوازی، م. (۱۴۰۱). «در دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۴)، ۱-۲۸.



مقدمه و بیان مسئله

در نیمه دوم قرن بیستم، جهان شاهد تغییرات جمعیتی در مقیاس چشمگیری بود. باروری از میزان پنج فرزند برای هر زن در سطح جهان به ۲/۷ فرزند رسید (Wilson, 2001: 155). بخشی از اتفاق‌های جمعیتی در جهان، تحت‌تأثیر جهانی‌شدن نگرش و رفتار باروری است (Caldwell, 2006: 261). در همین راستا، ایران نیز در دهه‌های اخیر کاهش چشمگیری را در میزان باروری کل داشته است؛ به طوری که میزان باروری کل در سال ۱۳۴۵ برای هر زن از حدود ۷/۷ فرزند به ۶/۳ فرزند در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت (Aghajaniyan & Mehryar, 1999: 22). بعد از این کاهش اولیه و تحت‌تأثیر موقعیت خاص وقوع انقلاب، باروری در سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۶ اندکی افزایش یافت و تا سال ۱۳۶۳ روند به‌نسبت ثابتی را داشت (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴). روند کاهش باروری از سال ۱۳۶۳ به بعد به تدریج آغاز شد و میزان باروری کل از ۶٫۹ فرزند برای هر زن در این سال به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت که زمان راه‌اندازی مجدد برنامه‌های تنظیم خانواده بود؛ اما از این زمان به بعد، میزان باروری کل به سرعت روند انتقالی پیدا و در دهه ۱۳۸۰ ابتدا به سطح جانشینی و سپس به زیر سطح جانشینی افت پیدا کرد (Abbasi-Shavazi & McDonald 2006; Abbasi-Shavazi et al., 2009). برآوردهای اخیر نشان می‌دهد که شاخص باروری کل، از ۱/۸ فرزند برای هر زن در سال آغازین دهه ۱۳۹۰ به ۲/۰۱ فرزند در میانه این دهه افزایش و دوباره به ۱/۷ فرزند در انتهای دهه تنزل یافت (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۹؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰؛ فتحی، ۱۳۹۹).

پژوهشگران دهه هاست که به دنبال درک رفتار باروری فردی و روندهای جمعی (سطح کلان) باروری هستند. در پیشینه نظری و تجربی پژوهش حاضر عوامل مهم تعیین‌کننده تصمیم‌های باروری زوجین اشاره شده است؛ برای نمونه، ویژگی‌های جمعیتی مانند سن زن و مرد در هنگام ازدواج (Billari & Tabellini, 2010)، تعداد فرزندان قبلی (Dommermuth et al., 2015)، وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد مانند درآمد، رفاه، تحصیلات، پیشینه اجتماعی و اشتغال از جمله عواملی هستند که در سطح‌های خرد و کلان رفتارهای باروری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (Arpino et al., 2021)؛

Bellani et al., 2021; Kreyenfeld et al., 2012; Murphy & Wang, 2001 عباسی‌شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲؛ شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶؛ عبدالمهی و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۶).

بدیهی است که فرزندآوری در سطح خرد صورت می‌گیرد و در زمره خصوصی‌ترین رفتارهاست (سرای، ۱۳۹۴). تصمیم برای فرزندداشتن و تعداد مطلوب فرزند همانند سایر تصمیم‌های افراد، تحت‌تأثیر تعادل بین هزینه و فایده پیش‌بینی شده است (Bellani et al., 2021). عواقب تصمیم درباره باروری در آینده نزدیک و یا دور مشخص می‌شود؛ بنابراین تصمیم باروری تحت‌تأثیر سایه آینده است (Ajzen & Koblas, 2013: 204). در واقع، تصمیم‌های آینده‌محور افراد با فرآیند تصمیم‌گیری آنها برای داشتن و یا نداشتن فرزند همراه است. فرزندآوری یک فایده فوری دارد؛ برای مثال، فرزند ممکن است به‌عنوان یکی از تثبیت‌کننده‌های زندگی زناشویی عمل کند (Heaton, 1990) و همچنین می‌تواند یک ارزش یا سود ابزاری داشته باشد که در درازمدت در دسترس است؛ برای مثال، کودکان به‌عنوان امنیت در سالمندی محسوب می‌شوند و به موازات آن، فرزندآوری هم با هزینه‌هایی مانند کار خانگی بیشتر، ازدست‌دادن درآمد و ثروت، محدودیت‌های اوقات فراغت و یا دغدغه آینده فرزندان در زمان حال و یا آینده همراه است (Becker, 1991)؛

بنابراین فهم ابعاد ذهنی تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری، نگرش افراد به فرزندآوری، فرآیند شکل‌گیری تصمیم افراد به داشتن فرزند، ایدئال‌های مربوط به تعداد فرزند مطلوب و عواملی که بر خواست و تمایل آنها اثرگذار است، جزء پرسش‌هایی است که محققان همواره به دنبال پاسخ آنها بوده‌اند. از سوی دیگر، هر نوع برنامه‌ریزی برای تغییر رفتار باروری زیر سطح جانشینی و سیاست‌های جمعیتی مشوق باروری، نیازمند شناخت تعبیرها و تفسیرهای عاملان رفتار، یعنی زنان و مردان است (خلج‌آبادی‌فراهانی و سرایی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر ارائه درک عمیقی از رفتار و تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری و چالش‌های مرتبط با آن است؛ به همین دلیل، شهر اصفهان به‌عنوان یکی از بسترهای باروری پایین در ایران، میدان مناسبی برای انجام دادن مطالعه

وابسته به رفتار است که براساس رد و تأیید انجام‌دادن رفتار از سوی دیگران مهم و یا میزان همنوایی با گروه مرجع شکل می‌گیرد (Fishbein & Ajzen, 1975). نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده نیز نزدیک‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار را قصد فردی برای انجام‌دادن یک رفتار معین می‌داند که تحت تأثیر نگرش‌ها شکل می‌گیرد. اصل اساسی در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده این است که انتظارات فعلی بهترین پیش‌بینی‌کننده کنش‌ها و رفتارهای آینده است (Ajzen, 1991). در این الگو، انجام‌دادن یک رفتار یا دستیابی به یک هدف به‌عنوان یک عمل عقلانی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا رفتار به‌طور مستقیم مبتنی بر قصدی است که خود با فرآیند استدلال شکل می‌گیرد (Dommermuth et al., 2015). این نظریه سه عاملی را ارائه می‌دهد که بر مقاصد فرد اثر می‌گذارد؛ مانند کنترل رفتاری ادراک‌شده، نگرش به رفتار و هنجارهای ذهنی. ویژگی‌های فردی، مانند تحصیلات یا ارزش‌ها این سه عامل را شکل می‌دهد. علاوه بر این، تحقق نیت‌ها ممکن است تحت تأثیر عوامل و محدودیت‌های واقعی (وضعیت کم‌درآمد) قرار گیرد و یا ممکن است با کنترل رفتاری درک‌شده (چگونه وضعیت درآمد با دستیابی به هدف درک می‌شود؟) در تعامل باشد. برخی از ویژگی‌ها ممکن است به‌عنوان عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری باورها، تعیین‌کننده نیت‌ها و کنترل‌های واقعی عمل کنند؛ زیرا تبدیل نیت‌ها به رفتار را تعدیل می‌کنند؛ برای مثال، سن بر نگرش‌ها به‌عنوان متغیر پس‌زمینه اثرگذار است؛ اما به‌عنوان یک متغیر کنترلی عمل می‌کند؛ زیرا باروری با افزایش سن کاهش می‌یابد (Cavalli & Klobas, 2013).

نظریه گذار دوم جمعیتی: یکی از نظریه‌هایی است که بر نقش تغییرات نگرشی و فرهنگی در شکل‌دادن به ایده‌آل‌های فردی درباره خانواده و تبیین تحولات جمعیتی تأکید دارد (Lesthaeghe & Surkyn, 2012; Van de Kaa, 1987, Van de Kaa, 2001; Lesthaeghe, 2010, Lesthaeghe, 2020). نظریه گذار دوم جمعیتی، به ارتباط تغییرات جمعیتی با ظهور تحولات ارزشی و فرهنگی تازه‌ای اشاره دارد که نیروی خود را بیشتر با الگوهای نوین خانواده اعمال می‌کند. این تحولات ارزشی و فرهنگی، از جهان توسعه‌یافته آغاز شده و در حال گسترش به سایر نقاط جهان

حاضر است. برپایه منابع داده‌ای موجود، میزان باروری کل استان اصفهان در سال ۱۳۹۹ بین ۱/۳ تا ۱/۵ برآورد و گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). دور از انتظار نیست که رقم این شاخص در شهر اصفهان، حتی پایین‌تر از برآورد استانی فوق باشد. از آنجایی که در پژوهش حاضر عواملی چون واکاوی ذهن‌ها، فهم ایدئال‌های ذهنی و چالش‌های افراد در زمینه فرزندآوری مدنظر است، افراد مشارکت‌کننده هم شامل افراد واقع در سن فرزندآوری اعم از مجرد و متأهل است. در واقع، این افراد عاملان اثرگذار در فرزندآوری محسوب می‌شوند.

چارچوب مفهومی

در پژوهش حاضر از رویکرد پارادایمی تفسیری و روش کیفی استفاده شده است؛ بنابراین بررسی نظریه‌های مرتبط با موضوع نه با هدف نظریه‌آزمایی، بلکه با هدف ارتقا حساسیت نظری تحقیق انجام شده است. همچنین، برخی از مؤلفه‌های نظریه‌ها و دستاوردهای مطالعات پیشین، راهنمای اصلی برای هدایت مطالعه حاضر در میدان تحقیق بوده است. چارچوب‌های نظری و مفهومی مختلفی از جمله نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، نظریه گذار دوم جمعیت‌شناسی، نظریه کاهش بی‌اطمینانی و نظریه اجتناب از خطر در مطالعه ترجیح‌های باروری، قصد باروری و تمایل‌های باروری مطرح شده که در ادامه مختصری از آنها بررسی شده است.

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده: نسخه جدیدتر و اصلاحی

نظریه، عمل بخردانه است که هر دو نظریه در کارهای فیثباین و آجرن توسعه و تکوین یافته است (Ajzen, 1991, 1975; Fishbein & Ajzen, 2005). این الگوهای نظری بر تحلیل ارتباط میان نگرش‌ها و رفتارها متمرکز شده است. براساس نظریه عمل بخردانه افراد بیشتر در تصمیم به انجام‌دادن یک رفتار معین، منطقی عمل می‌کنند. هرچند ترجیح‌های خود را در نظر می‌گیرند؛ بنابراین مهم‌ترین تعیین‌کننده رفتار، قصد و نیت‌های رفتاری افراد است و تعیین‌کننده اصلی نیت‌های رفتاری نیز نگرش افراد درباره نتیجه (مثبت یا منفی) انجام‌دادن رفتار و هنجارهای ذهنی

لوتز و همکاران^۱ (2006)، نیز بر این باورند که نگرانی از خطرهای اجتماعی و نااطمینانی اقتصادی و اجتماعی که کوهورت‌های جوان‌تر در حال تجربه آن هستند، ایدئال‌ها و نیت‌های باروری آنان را کاهش می‌دهد. آنان با استناد به فرضیه درآمد نسبی ایسترلین^۲ (1987) معتقدند از یک‌سو بالارفتن سطح استانداردهای زندگی و از سوی دیگر چشم‌اندازهای اقتصادی بدبینانه‌ای که کوهورت‌های جوان‌تر دارند، منجر به باروری پایین می‌شود.

در مجموع، به نظر می‌رسد در مطالعه حاضر، ترکیبی از نظریه‌های رفتار برنامه‌ریزی‌شده، گذار دوم جمعیتی، اجتناب از خطر و کاهش بی‌اطمینانی در فهم تفسیرهای افراد از تصمیم به فرزندآوری و پاسخ به این پرسش راهگشا باشد که افراد برای تصمیم به فرزندداشتن با چه چالش‌های فردی و اجتماعی مواجه هستند؟

پیشینه تحقیق

در حدود ۴۰ سال پیش، زوج‌ها به دلیل روش‌های ناکارآمد پیشگیری از بارداری، اغلب بیش از انتظارشان، بچه داشتند (Petersen, 1961). اکنون برخلاف روندهای گذشته، خانواده‌ها با توجه به قصدشان تعداد کمی از فرزندان را دارند و به دنبال آن هم اغلب تمایل کمتری به فرزندآوری نشان می‌دهند (Quesnel-Vallee & Morgan, 2003). عوامل مؤثر بر کاهش تمایل به فرزندآوری در مطالعات متعددی بررسی شده است. تغییرات در مسیر زندگی^۳ یکی از عوامل اثرگذار بر باروری است. این تغییرات شامل تأخیر در انتقال‌هایی مثل ترک خانه، افزایش فروپاشی خانواده، افزایش استقلال مالی زنان است که قبل و بعد از فرآیند تشکیل خانواده اتفاق می‌افتد. ترک خانه از سوی جوانان در مقایسه با گذشته دیرتر اتفاق می‌افتد (McDonald, 1995)؛ بنابراین وارد شدن در پیوند زناشویی نیز با تأخیر همراه است. از سویی، اکنون زنان فرصت‌هایی برای استقلال مالی و موفقیت شغلی دارند. فرصت‌هایی که ممکن است در برنامه‌های آنها برای

است (Atoh et al., 2004; Esteve et al., 2012). در واقع، آنچه متمایزکننده گذار دوم جمعیتی از گذار اول جمعیتی پنداشته شده است، دل‌مشغولی فراگیر و گسترده به خودتحقق‌بخشی، آزادی انتخاب فردی، توسعه شخصیت و شیوه‌های زندگی است که در تشکیل خانواده، نگرش به تحدید مولید و انگیزه‌های پدرومادرشدن بازتاب یافته است (Van de Kaa, 2001). این نظریه، تغییرات بنیادین در ارزش‌ها، نگرش‌ها و گسترش ایده‌های پست‌ماتریالیستی (تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی) را عامل اساسی تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند.

نظریه اجتناب از خطر: بر این فرض مبتنی است که تصمیم افراد به داشتن فرزند، در واقع، نوعی برنامه‌ریزی و تصمیم درباره زندگی آینده خودشان است؛ از این رو تصمیم‌های فرزندآوری به جهت‌گیری آینده، ارزیابی آنان از هزینه و منافع آینده بستگی دارد. اگر مردم آینده اقتصادی، اجتماعی یا شخصی را زیر فشار و نامطمئن بدانند، ممکن است برای اجتناب از این خطر، تصمیم بگیرند که بچه‌دار نشوند. آنها سعی خواهند کرد به جای آنکه به بچه‌دار شدن و داشتن فرزند فکر کنند که نوعی سرمایه‌گذاری با دغدغه‌ها و مخاطره‌های بسیار و آینده نامطمئن است، در زمینه‌هایی مانند آموزش، مشارکت در نیروی کار، ساعات کار بیشتر، پس‌انداز مالی و نظایر آن سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا توأم با احساس امنیت بیشتر برای آنان است (Finch & Bradshaw, 2003; McDonald, 2000; Arpino & Bellani, 2018). فالن و اولا (2018) با ترکیب عوامل سطح‌های خرد و کلان، الگوی نظری را پیشنهاد می‌دهند که براساس آن عوامل اجتماعی (وضعیت اشتغال، سیاست‌های ترکیب کار و خانواده)، عوامل فردی (ویژگی‌های فردی و منابع شخصی) و امنیت اقتصادی درک‌شده (امنیت شغلی و امنیت درآمد) بر احساس خطر و امنیت مردم اثر می‌گذارد (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۹). نتیجه نهایی، احساس امنیت و یا کم‌شدن امنیت است که نیت‌های فرزندآوری را شکل می‌دهد؛ به طوری که افراد تصمیم می‌گیرند نیت‌های باروری و فرزندآوری خود را محقق کنند یا به تأخیر اندازند و یا هیچ قصدی برای فرزندآوری نداشته باشند (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۹؛ Fahlen & Olah, 2018).

¹ Lutz et al.

² Easterlin

³ Life Course

درباره کیفیت تجربه‌های روزمره فرزندان، رشد عاطفی و پیشرفت تحصیلی آنها دارند. با این حساب، داشتن فرزند به لحاظ زمان و انرژی هزینه‌بر است. تغییر در الگوهای مسیر زندگی که باعث به وجود آمدن خانواده‌های کوچک و بی‌فرزندی در نهایت، تبدیل به یک هنجار شد و انتظارها و ترجیح‌های افراد را شکل داد. ازدواج و فرزندآوری به‌طور فزاینده‌ای به جای مسیر اجتناب‌ناپذیر در زندگی تبدیل به یک انتخاب شده است (Weston & Parker, 2002).

عقاید رفتاری، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار درک‌شده برای داشتن فرزند در پژوهش لو و مائو^۴ (2014) و آیزن و کلوباس^۵ (2013) بررسی شده است. قصد، نگرش و خواست افراد بر کاهش باروری در مقاله میتچل و گری^۶ (2007) بررسی شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، خطر درک‌شده، تمایل به اشتغال، امنیت اقتصادی، تغییر در خواست و نقش زنان در تصمیم افراد برای نداشتن فرزند مؤثر است. ابو زید^۷ (2021) مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های باروری پایین را در کشورهای در حال توسعه کاهش مرگ‌ومیر می‌داند و تقاضای کار زنان در بازار کار را در کشورهای در حال توسعه تبیین مناسبی برای کاهش باروری محسوب نمی‌کند.

پژوهش کیفی عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۱) در شهر یزد نشان داد که فرزند ایدئال زنان کمتر از تعداد فرزندان فعلی‌شان است. زنان به کیفیت (تربیت و تحصیل) اشاره داشتند و سیاست‌های تشویقی را در افزایش فرزندانشان بی‌اثر می‌دانستند. براساس نتایج پژوهش مذکور، انگاره‌های فرزند عسای پیری و ترجیح جنسیتی کم‌رنگ‌شده و آگاهی از وسایل تنظیم خانواده افزایش یافته است.

محمودیان و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که کم‌فرزندی با موقعیت گفتمانی کم‌فرزندی / رفاه خودحمایتی زنان، چالش‌های مدیریتی مدرن، توانمندسازی، میل به خودبازنمایی مثبت و تجربه بین‌نسلی رخ داده و باعث استراتژی بازاندیشانه‌شده که پیامد آن کم‌فرزندی خواسته و یا ناخواسته است.

بچه‌دار شدن اختلال ایجاد کند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که به‌طور کلی روندهای بازار کار و اقتصاد با اثر بر الگوی مسیر زندگی بر میزان باروری اثرگذار هستند.

همچنین، مطالعات زیادی درباره ارزش فرزند انجام شده است (فروتن و همکاران، ۱۳۹۳؛ اوجاقلو و همکاران، ۱۳۹۳؛ رازقی نصرآباد و سرایی، ۱۳۹۳). منفعت فرزند شامل منفعت اقتصادی و منفعت‌های عملی و روانی مانند کمک در انجام دادن کارهای خانه، حمایتگری فرزند در دوران پیری، معنادار کردن زندگی و ادامه نام خانواده است (Hoffman & Manis, 1979). در برخی از مطالعات به اهمیت فرزند به لحاظ تحکیم روابط اجتماعی و بهره‌مندی از برخی منابع توجه شده است (Schoen et al., 1997). با این حال، مطالعات جدید در این زمینه است که منفعت اقتصادی و روانی فرزند باعث افزایش اندازه خانواده نمی‌شود؛ زیرا والدین عشقی را که نیاز دارند از حضور یک یا دو فرزند می‌گیرند (Kagitcibasi, 1998). مک دونالد^۱ (2001) استدلال می‌کند که دوران نامنی شغلی با یک چرخه قوی اقتصادی با رونق و رکود و افزایش یا نوسان قیمت مسکن همراه بوده است که ترکیبی از آنها باعث تشویق ادامه اشتغال دوگانه در بین زوج‌ها به‌عنوان بیمه‌ای در برابر بیکاری شده است. این وضعیت جوانان را به این سمت سوق می‌دهد که قبل از اینکه بچه‌دار شوند، روی سرمایه انسانی خود (تحصیل و پیشرفت شغلی خود) سرمایه‌گذاری کنند. کوهلر^۲ و همکاران (2001) به تأخیر انداختن فرزندآوری را به برخی از قطعیت نداشتن‌ها مانند بی‌ثباتی در کار و روابط اجتماعی مرتبط می‌دانند. آنها بر این باورند که این وضعیت باعث می‌شود زوج‌ها تصمیم به فرزندآوری را به تعویق بیندازند و با گذشت زمان، انتخاب آنها محدود به داشتن تعداد فرزند کم و یا بی‌فرزندی می‌شود. عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۳) اثر معنی‌دار نامنی اقتصادی بر رفتار و ایدئال باروری پایین زنان را نشان دادند.

آلن و همکاران^۳ (2001) معتقدند که والدین امروزی (در بریتانیا و اروپا) در مقایسه با والدین قبلی، نگرانی بیشتری

⁴ Luo & Mao

⁵ Ajzen & Klobas

⁶ Mitchell & Gray

⁷ Abo-zaid

¹ McDonald

² Kohler et al.

³ Allan et al.

پژوهش خلج‌آبادی‌فراهانی و سرایی (۱۳۹۱) در شهر تهران نشان داد که تعیین‌کننده‌های قصد تک‌فرزندی برای مردان شامل، فردگرایی، نگرانی کمتر از مشکلات تک‌فرزندی، باورهای جنسیتی تساوی‌طلبانه و نگرانی‌های فرزندپروری است و برای زنان، سن، نگرانی‌های فرزندپروری، فردگرایی، نگرانی کمتر از مشکلات تک‌فرزندی و آرمان‌گرایی در تربیت فرزند است. همچنین، قصد تک‌فرزندی در ۴۶ درصد و دو فرزند در ۴۳،۲ درصد از نمونه گزارش شده است.

خلج‌آبادی‌فراهانی و کیانی‌علی‌آبادی (۱۳۹۷) نشان دادند که باوجود ارزش ذاتی فرزند، رشد عقلانی موجب شده است که زنان با کنترل موقعیت قبل از فرزندآوری از کیفیت رابطه زناشویی اطمینان حاصل کنند و با داشتن سالمندی سالم و فعال به‌دنبال تعدیل انتظارات خود از فرزند در سالمندی باشند.

عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۹۹) در این پژوهش موضوع ناامنی‌های اقتصادی بیشتر مطرح شده است که در آن به افزایش فردگرایی، رشد عقلانی، توجه به کیفیت به‌جای کمیت، افزایش تحصیلات به‌ویژه تحصیلات زنان و اشتغال آنها بر بی‌تمایلی به فرزندآوری اشاره شده است. درزمینه فرزندآوری بیشتر مطالعات درباره ایدئال‌ها، ترجیح‌ها و تمایل‌های زنان متأهل است. در صورتی که تصمیم به فرزندآوری در خانواده با نظر زن و مرد اتفاق می‌افتد؛ بنابراین برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های آینده درزمینه فرزندآوری نیاز است که تمایل‌ها و ایدئال‌های افراد مجرد در شرف ازدواج و فرزندآوری نیز در نظر گرفته شود. از طرفی، باوجود اینکه استان اصفهان جزء استان‌هایی با باروری پایین (با باروری کل بین ۱/۳ تا ۱/۵ فرزند) در ایران است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)، اما تاکنون مطالعه‌ای کیفی درزمینه‌های کم‌فرزندی در این استان انجام نشده است. در این مطالعه سعی شده است که جامعه بررسی شده شامل زنان و مردان مجرد و متأهل باشد. درواقع، تلاش بر این است که مهم‌ترین چالش‌های فردی و اجتماعی را که افراد درزمینه فرزندآوری با آن مواجه هستند، در شهر اصفهان و در قالب یک مطالعه کیفی بررسی شود.

نداشتن توانایی برای تأمین هزینه‌های فرزند دیگر، داشتن فرزند به تعداد لازم، تداخل فرزندآوری با علایق، تفریح‌ها، برنامه‌های کاری و تحصیلی و همچنین نگرانی به آینده فرزند از جمله یافته‌های پژوهش عرفانی (۱۳۹۱) درباره نیت‌های باروری مردم تهران است که نشان داد دسترسی افراد به منابع گوناگون اقتصادی و حمایتی اثرهای متفاوتی بر نیت‌های باروری زوجین دارد. مشکلات اقتصادی و کاهش ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و عادت مردم به تک‌فرزندی و دو فرزند که در بیش از دو دهه شکل گرفته است، از جمله عوامل بازدارنده ترغیب به رشد جمعیت است.

پژوهش حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که افراد داشتن و یا نداشتن فرزند را مانند انتخابی می‌دانند که برای انتخاب‌های دیگر به تعویق می‌افتد و یا سرکوب می‌شود. مهم‌ترین دلایل افراد برای بی‌فرزندی، مسئولیت زیاد پدری و مادری، محدودیت‌های اجتماعی فرزند برای والدین، محدودیت‌های زناشویی فرزند برای والدین، هزینه زیاد داشتن فرزند و مخاطره‌های بارداری برای زنان است.

پژوهش کیفی رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) درزمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری نشان دادند که دغدغه‌های فرزندمحور (به‌ویژه تربیتی) و والدمحور (اقتصادی، رفاهی و محدودیت‌زایی) موجب کم‌فرزندی و تأخیر در فرزندآوری می‌شود. پاره‌ای از زمینه‌های ذهنی و عینی از جمله وجه ارزشی یافتن کم‌فرزندی، تمهیدهای نهادی و مشوق کم‌فرزندی موجب ترغیب زوج‌ها به کم‌فرزندی شده است.

پژوهش موردی شهر سیرجان درباره اثر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری نشان داد که تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی نقش کاهشی بر تمایل به فرزندآوری دارد (عباسی‌شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲).

برمبنای پژوهش طاووسی و همکاران (۱۳۹۶) مهم‌ترین عامل بی‌تمایلی به فرزندآوری نگرانی درباره تأمین آینده فرزند و نگرانی از افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند دیگر و مهم‌ترین دلیل تمایل به فرزندآوری نیز علاقه فطری به فرزندآوری، کسب جایگاه و نقش والدی است.

روش و داده‌های پژوهش

روش‌شناسی مطالعه حاضر از نوع کیفی استقرایی است که با رویکرد نظریه زمینه‌ای انجام شده است. منظور از نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای برگرفته از داده‌هایی است که در فرآیند پژوهش به صورت نظام‌مند، گردآوری و تحلیل می‌شوند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۳). نظریه زمینه‌ای، تحقیق کیفی انعطاف‌پذیر و تعامل میان نظریه و داده را فراهم می‌کند (نیومن، ۱۳۹۰: ۵۴). در این مسیر از استراتژی نمونه‌گیری تدریجی که بیشتر مبتنی بر نمونه‌گیری نظری است و استراتژی‌های نمونه‌گیری گلوله‌برفی و نمونه‌گیری با بیشترین تنوع کمک گرفته شده است. برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق استفاده شده است که مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۲-۳۲۳). در این مطالعه به صورت هدفمند، مشارکت‌کنندگانی انتخاب شدند. تعداد این مشارکت‌کنندگان تا جایی اضافه شد که اشباع نظری اتفاق افتاد و داده جدیدی به داده‌ها اضافه نشد. در این مطالعه اشباع داده‌ها با ۳۰ مشارکت‌کننده (مجرد و متأهل) حاصل شد.

داده‌ها بعد از جمع‌آوری به متن تبدیل و فرایند تجزیه و تحلیل براساس روش اشتراوس و گرین صورت گرفت و در سه سطح باز، محوری و گزینشی کدگذاری انجام شد. برای دستیابی به اعتبارپذیری از ملاک لینکن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) استفاده و در ابتدا از تکنیک کنترل ازسوی اعضا استفاده شد. بدین صورت که بعد از تحلیل یافته‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها از تعدادی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا ارزیابی و نظر خود را درباره صحت یافته‌ها بیان کنند. همچنین، برای انتخاب مقوله‌های مناسب از نظر استادان خبره استفاده شد. استفاده از نظرهای همتایان علمی و خبره یکی از ملاک‌های تأمین اعتبار تحقیق در مطالعات کیفی است.

باتوجه به اینکه پژوهش کیفی براساس تعامل‌های انسانی پایه‌ریزی شده است، ملاحظه‌های اخلاقی نیز درچنین پژوهشی در مقایسه با پژوهش کمی حساسیت بیشتری دارد. در این پژوهش، موضوع‌های اخلاقی در سه بُعد آزمودنی‌ها،

پژوهشگر و تعهد اجتماعی رعایت شده است. گردآوری داده‌های تحقیق، با جلب رضایت و اعتماد مصاحبه‌شوندگان برای همکاری صادقانه، بیان هدف‌ها، ماهیت پژوهش و تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات صورت گرفت. افراد مطالعه‌شده به‌طور کامل داوطلبانه و با آگاهی کامل به فرآیند مصاحبه با شرکت در پژوهش موافقت کردند. میدان مطالعه، شهر اصفهان بوده است. اصفهان در زمره استان‌هایی است که سطح باروری پایین‌تری از میانگین کشوری دارد و براساس آخرین برآورد مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) میزان باروری کل به ازای هر زن کمتر از ۱/۵ فرزند است. پیش‌بینی می‌شود که سطح باروری در شهر اصفهان به‌عنوان مرکز این استان، حتی پایین‌تر از برآورد مذکور باشد. به همین خاطر، برای مطالعه حاضر این شهر به‌عنوان یکی از بسترهای مناسب در ایران محسوب می‌شود؛ زیرا در پژوهش حاضر بر چالش‌های باروری پایین متمرکز شده است.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر سی نفر مرد و زن شهروند شهر اصفهان مشارکت داشته‌اند. ویژگی‌های افراد حاضر در پژوهش در جدول ۱ آورده شده است. مشارکت‌کنندگان در بازه ۲۶ تا ۵۰ سالگی هستند. به تعداد ۱۴ نفر مرد و ۱۶ نفر زن، پاسخگوی سؤال‌ها بودند. از نظر وضعیت زناشویی، نه پاسخگو مجرد، بیست پاسخگو متأهل و یک پاسخگو مطلقه در مطالعه شرکت داشتند. تحصیلات شرکت‌کنندگان از ابتدایی تا سطح دکتراست و در زمینه‌های مانند مشاغل کارمندی، شغل آزاد، خانه‌داری و ... فعالیت داشته‌اند.

¹ Lincoln & Guba

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

Table 1- Characteristics of participants

نام*	سن	جنس	وضع تأهل	تحصیلات	شغل
ارشیا	۳۰	مرد	مجرد	لیسانس	کارمند راه آهن
سبحان	۳۸	مرد	مطلقه	فوق‌دیپلم	آزاد
ماریا	۳۳	زن	متاهل	دکتر	خانه‌دار
شادی	۳۶	زن	متاهل	کارشناسی‌ارشد	مشاور
نگار	۳۷	زن	متاهل	لیسانس	خانه‌دار
داریوش	۴۴	مرد	متاهل	کارشناسی‌ارشد	کارمند
امید	۳۹	مرد	مجرد	کارشناسی	مشاور اقتصادی شرکت
میلا	۳۰	مرد	متاهل	کارشناسی	شرکت صادرات و واردات
آرش	۳۸	مرد	متاهل	کارشناسی	کارمند گردشگری
مینو	۴۰	زن	متاهل	کارشناسی	کارمند میراث
مروارید	۴۰	زن	مجرد	کارشناسی	کارمند شهرداری
شهرام	۴۱	مرد	متاهل	کارشناسی	کارمند شهرداری
پارسا	۴۵	مرد	متاهل	ابتدایی	کارمند
ارسلان	۲۹	مرد	مجرد	دانشجو	آزاد
اشکان	۳۹	مرد	مجرد	فوق‌دیپلم	آزاد
دلسا	۳۹	زن	متاهل	لیسانس	خانه‌دار
آتوسا	۳۰	زن	مجرد	لیسانس	آژانس مسافرتی
عسل	۴۲	زن	متاهل	متوسطه	خانه‌دار
هستی	۴۱	زن	متاهل	فوق‌لیسانس	مری زبان
آناهیتا	۳۵	زن	متاهل	لیسانس	خانه‌دار
هدیه	۳۳	زن	مجرد	فوق‌لیسانس	کارمند شرکت
سورنا	۲۶	مرد	مجرد	لیسانس	آزاد
مهسا	۴۱	زن	متاهل	لیسانس	معلم مدرسه
رها	۳۵	زن	متاهل	لیسانس	آرایشگر
آیدا	۳۴	زن	مجرد	دکتری	کارمند شرکت
آرمان	۲۹	مرد	متاهل	لیسانس	کارمند قراردادی شرکت
باران	۲۸	زن	متاهل	متوسطه	آزاد (فروشنده)
خشیار	۳۹	مرد	متاهل	دکتر	پزشک
فرهاد	۳۹	مرد	متاهل	لیسانس	آزاد
آلما	۲۹	زن	متاهل	متوسطه	خانه‌دار

* در پژوهش حاضر برای حفظ حریم خصوصی اشخاص شرکت‌کننده تمامی اسامی ذکر شده در این جدول، نام غیر واقعی و مستعار است.

مخاطره، دوراهی عقل و احساس، گذار ارزشی، هزینه‌بر بودن فرآیند بارداری، تلخی تجربه زیسته، مسئولیت‌پذیری فلسفی-اجتماعی، کم شدن امنیت احساسی، دغدغه‌های انباشته، جایگاه متزلزل خانواده، بی‌اعتمادی به دولت، تمایل به مهاجرت، ترجیح تک‌فرزندی و تأخیر در فرزندآوری. عصاره مقوله‌های اصلی پژوهش، در مقوله هسته «گذار ارزشی از فرزندآوری» استخراج شد.

در مطالعه حاضر روش تجزیه و تحلیل، روش نظریه زمینه‌ای است؛ بنابراین متن مصاحبه‌ها در سه سطح کدگذاری، باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. در این مرحله بیست مقوله اصلی ساخته شد. این مقوله‌ها عبارت است از: تردیدهای تربیتی، بیم و هراس‌های اقتصادی، فرزندآوری در ترازوی عقلانی بودن ابزاری، ناکارآمدی سیستم آموزشی، محوریت خود در فرزندآوری، عاملان آینده‌نگر، آینده‌هراسی، جامعه در

جدول ۲- مقوله‌های فرعی و اصلی تشکیل‌دهنده مقوله هسته «گذار ارزشی از فرزندآوری»

Table 2- Sub-Categories and Main Categories which Constituted the Core Category of Value Modification from Parenting

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
تردیده‌های تربیتی	هزینه‌بر بودن تربیت
	کم‌شدن زمان برای تربیت نگرانی از تربیت دوگانه فرزند
بیم و هراس‌های اقتصادی	شکندگی پارامترهای اقتصادی
	ناامنی شغلی
	فاصله از ایدئال‌های ذهنی با اقتصاد متزلزل کم‌شدن هدف‌گذاری برای آینده با اقتصاد متزلزل اقتصاد بیمار مضیقه اقتصادی
فرزندآوری در ترازوی عقلانی بودن ابزاری	خریدگرایی در فرزندآوری برنامه محور بودن ترجیح کیفیت بر کمیت
ناکارآمدی سیستم آموزشی	هزینه‌بر بودن تحصیل فرزند استعدادکشی سیستم آموزشی
محوریت خود در فرزندآوری	فرزندآوری مانند یک تصمیم شخصی ارتقا خود نداشتن احساس مسئولیت در مقابل پیرشدن جمعیت
عاملان آینده‌نگر	ترسیم آینده ساختن بستر داشتن برنامه
	ترس از آینده نامعلوم نداشتن آینده مالی ذهنی پیش‌بینی ناپذیری اوضاع کم‌شدن کورسوی امید
جامعه در مخاطره	جامعه تربیت‌نشده ناامنی‌های اجتماعی افسارگسیختگی جامعه ناامیدی گسترده در جامعه انتشار اخبار ناگوار اجتماعی
	فرزندآوری تصمیمی احساسی دوراهی عقل و احساس فرزندآوری عملی غیرعقلانی داشتن فرزند زیاد هنر نیست.
	گذار ارزشی
هزینه‌بر بودن فرآیند بارداری	هزینه‌بر بودن زایمان هزینه‌بر بودن مراقبت‌های پیش و حین بارداری
تلخی تجربه زیسته	تجربه‌های مسیر زندگی ترس از تکرار تجربه‌های سخت زندگی در خانواده پر جمعیت
	خودآگاهی اجتماعی فرزندآوری آگاهانه و عاقلانه درک اهمیت نقش والدینی والد ایدئال بودن تفکر به فلسفه زایش انسان

کم شدن امنیت احساسی	احساس نارضایتی از زندگی کم شدن آرامش کم شدن رفاه ذهنی کم شدن احساس خوشبختی
دغدغه‌های انباشته	دغدغه آموزشی دغدغه تربیتی دغدغه احساسی دغدغه اجتماعی دغدغه اقتصادی
جایگاه متزلزل خانواده	خانواده غیرحمایتی هویت متزلزل مرد به خاطر ناتوانی مالی جایگاه متزلزل نان‌آور خانواده دیدن تجربه طلاق
اطمینان نداشتن به دولت	وعده‌های واهی صداقت نداشتن با مردم سیاست‌های غیرواقع‌بینانه وعده‌های محقق نشده
تمایل به مهاجرت	فراهم کردن بستر مهاجرت فرزند فرزندآوری در کشورهای مرفه
ترجیح تک‌فرزندی	هزینه مادی و احساسی و زمانی برای فرزند ترجیح کیفیت فرزند به کمیت دغدغه سنی
تأخیر در فرزندآوری	تأخیر در فرزندآوری تا رسیدن به اوضاع ایده‌آل ترجیح رسیدن به ثبات پیش از فرزندآوری

تردیدهای تربیتی

خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه نقش انکارناپذیری در تربیت فرزندان دارد. یکی از چالش‌هایی که خانواده‌ها برای فرزندآوری با آن مواجه‌اند، چالش تربیتی و یا تردیدهای تربیتی است. مشارکت‌کننده‌های پژوهش حاضر از جمله دغدغه‌های خود در زمینه تصمیم به فرزندآوری را عواملی چون دوگانگی تربیت فرزند، اختصاص نداشتن زمان لازم برای تربیت و تحمیل هزینه‌هایی بر خانواده‌ها برای تربیت فرزندان می‌دانستند. هدیه ۳۳ ساله، مجرد و با تحصیلات کارشناسی ارشد می‌گوید:

«دوست دارم زمانی بچه بیارم که بتونم به بچه خوب را تربیت کنم. جامعه الان ما جامعه خوبی نیست. تربیت فرزند الان باید آقدر خوب باشه که بچه با عزت‌نفس بزرگ بشه و یکسری مسائل جامعه نتونند روش تأثیر بگذارند. تو باید زمانش را داشته باشی. خُب با کار بیرون زن‌وشوهر، مدیریت این زمان سخت می‌شه».

بیم و هراس‌های اقتصادی

دغدغه اصلی بیشتر مردم، مسئله اقتصاد و مشکلات مالی بوده است. براساس پژوهش‌های گذشته بیشترین عوامل بازدارنده فرزندآوری نگرانی از تأمین آینده فرزند، افزایش مشکلات اقتصادی و درآمد ناکافی بوده است. در پژوهش حاضر نیز اغلب مشارکت‌کنندگان دغدغه‌های مالی، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم، پیش‌بینی ناپذیر بودن پارامترهای اقتصادی، ناامنی شغلی، و ... را از جمله عواملی می‌دانستند که بر تصمیم آنها برای داشتن فرزند و یا داشتن تعداد بیشتر فرزند اثرگذار بوده است. آرمان ۲۹ ساله متأهل، بدون فرزند و با تحصیلات لیسانس معتقد است:

«بچه دار شدن اگر تمکن مالی نداشته باشی، حماقت محض. حتی به دوش هم زیاده. امکانات اولیه که یک خونه و یک سر پناه و حداقل‌ها را فراهم کنی، بتونید کلاس‌های آموزشی ثبت‌نامش کنید و بتونید مهم‌تر از همه سفر ببریدش، سالی یکی دو مرتبه».

فرزندآوری در ترازوی عقلانی بودن ایزاری

افراد حاضر در این پژوهش در زمینه رفتار فرزندآوری به اذعان خودشان کم‌فرزند و یا بی‌فرزند را یک رفتار عقلانی و همچنین بیشتر آنها فرزندآوری زیاد در دهه‌های گذشته را به دلیل عقلانی نبودن، ناآگاهی و در مواردی ناشی از بی‌مسئولیتی نسل قبل می‌دانستند. برخی از مشارکت‌کنندگان تصمیم نسل قبل برای داشتن فرزند زیاد را عقلانی می‌دانستند؛ زیرا نسل قبل به دلیل نیاز به نیروی کار بیشتر و سرمایه تلقی شدن فرزند، اقدام به داشتن تعداد فرزند بیشتر می‌کردند و اکنون نیز عقلانی بودن با توجه به موقعیت اقتصادی و اجتماعی حکم می‌کند که خانواده‌ها تعداد فرزند کمتری داشته باشند. آنها خردگرایی، برنامه‌ریزی، ترجیح کیفیت بر کمیت و منطقی نبودن فرزندآوری بیشتر را بر تصمیم خود برای داشتن و یا نداشتن فرزند مؤثر می‌دانستند. شهرام ۴۱ ساله متأهل، با یک فرزند و تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«ما هر فرزندی که می‌خوایم، بیاریم باید به برنامه داشته باشیم. ما باید برای سال‌به‌سال بچه برنامه داشته باشیم. برنامه آموزشی خوب، برنامه پزشکی خوب، برنامه ورزشی خوب. نه اینکه بی‌فکر دوتا سه تا بیاری که بهت خرده بگیرند که چرا به‌دونه داری؟ چون واقعاً مشکلی که تو کشورمون هست، اینکه خانواده‌ها فقط فرزند آوردن. نه فکر آموزششون، نه فکر تربیتشون و نه رشدشون بودن».

ناکارآمدی سیستم آموزشی

یکی از شاخص‌های اساسی در توسعه نیروی انسانی، بحث آموزش است. در واقع، آموزش باعث زیربنای فکری یک نسل می‌شود. اگرچه کشور ایران به لحاظ کمی در بحث آموزش و پرورش وضعیت بسیار مناسبی با میزان باسوادی ۸۴ درصدی دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، به لحاظ کیفیت آموزش همچنان با چالش‌هایی مواجه است. از جمله این چالش‌ها: بی‌توجهی به مهارت‌آموزی، هزینه‌های آموزش و تبعیض‌های آموزشی است که افراد با آن مواجه هستند. امید ۳۹ ساله، مجرد و با تحصیلات لیسانس بیان می‌کند که

«تصور اینکه بچه‌ام بخواد تو نظام آموزش ایران

مدرسه بره، نظام آموزشی که می‌گه بچه‌ای خوبه که ریاضیش خوبه یا علومش. انسان استعدادهای زیادی داره که یکی از آنها علومه یا یکیش ریاضیه. مدرسه همیشه ناامیدی، میشه استعدادها که کشف نشد، رقابت بین آدم‌هایی که ریاضی بلدند و آنهایی که ریاضی بلد نیستند. آموزش و پرورش ما اصلاً نه مهارت، نه کار دیگه‌ای، نه موسیقی، نه زبان خارجی دیگه‌ای و هر چیزی را که بخوای، باید براش جدا هزینه کنی و خارج از سیستم آموزش کشوری بری و یاد بگیری و هزینه‌هاش بالاست».

محوریت خود در فرزندآوری

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش فرزندآوری و تصمیم به فرزنددار شدن را یک تصمیم به‌طور کامل شخصی می‌دانستند که هیچ‌کس حق دخالت در آن را ندارد. آنها معتقد بودند که هیچ‌مسئولیتی در مقابل پیرشدن جمعیت ندارند و بیشتر در پی ارتقا خود و رسیدن به هدف‌های خود در راستای موفقیتشان به لحاظ تحصیلی، شغلی و اقتصادی هستند. در مواردی داشتن فرزند را مانع از زندگی ایدئال می‌دانستند. آیدا ۳۴ ساله مجرد و با تحصیلات دکترا می‌گوید:

«من کاری به جمعیت و جامعه و پیرشدنش ندارم، بچه‌داشتن به تصمیم کاملاً شخصی به کسی هم ربطی نداره، به انتخابه، اجبار نیست».

عاملان آینده‌نگر

مقوله عاملان آینده‌نگر به برنامه‌ها و هدف‌هایی برمی‌گردد که افراد در این پژوهش برای خود و بیشتر برای ارتباط با فرزند داشتند. افراد بر این باور بودند که با توجه به ناامنی‌های مالی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد، باید آینده را برای فرزند خود ترسیم کنند. همه زیرساخت‌هایی را فراهم کنند که برای رشد و ارتقا یک فرزند لازم است و برای سال‌به‌سال فرزند برنامه‌ریزی داشته باشند. آنها از سرمایه‌گذاری مالی و آموزشی برای فرزند صحبت می‌کردند. ثبات و پیش‌بینی‌پذیر بودن موقعیت و سیاست‌ها جزء مؤلفه‌هایی که در طراحی و اجرای

می‌دانستند. سبحان ۳۸ ساله مطلقه، بدون فرزند و با تحصیلات دیپلم معتقد است که

«جامعه بی‌تربیتی داریم. بچه ده ساله قمه می‌کشه و جلو بزرگ‌تر حرف بد می‌زنه. جامعه ما الان یه جامعه افسارگسیخته است. بچه آوردن و تربیت کردن تو این شرایط ترس‌داره».

دوراهی عقل و احساس

زمانی که از افراد درباره این سؤال شد که آیا به بچه‌دار شدن فکر می‌کنند و اینکه چند فرزند را ایدئال می‌دانند، آنها به یک دوراهی در تصمیم خود اشاره داشتند، دوراهی بین عقل و دل. برخی معتقد بودند که اگر به مقوله فرزندآوری منطقی نگاه کنند، داشتن بچه در این اوضاع عقلانی نیست؛ اما به لحاظ احساسی داشتن فرزند را مطلوب می‌دانستند. پارسا ۴۵ ساله متأهل، با یک فرزند و تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«من خیلی با خودم فکر می‌کنم، اصلاً دغدغه ذهنی شده اینکه یه بچه دیگه بیارم که حداقل بچه‌ام یه خواهر یا برادر داشته باشه یا نه؟ یا اینکه با این وضعیت اقتصادی هرچه در توانم هست را برای همین یه دونه بچه هزینه کنم، عقل آدم یه چیز میگه، دلش یه چیز دیگه».

گذار ارزشی

داشتن خانواده‌های بزرگ و تعداد بیشتر فرزند زمانی ارزش محسوب می‌شد؛ اما تغییر در نگرش مردم جامعه در زمینه فرزندآوری و سایر ارکان اجتماع که مستقیم و غیرمستقیم طالب کم‌فرزندی هستند، باعث شده است که اکنون خانواده‌های کوچک به هنجار غالب جامعه تبدیل شوند. مشارکت‌کنندگان داشتن فرزند زیاد را هنر نمی‌دانستند و آن را نشان از فقر فرهنگی و بی‌توجهی به نیازهای فرزند تلقی می‌کردند. همچنین، این اعتقاد را داشتند که جامعه کنونی ظرفیت پذیرش خانواده‌های بزرگ را ندارد و طالب کم‌فرزندی است. وقتی کم‌فرزندی تبدیل به یک هنجار اجتماعی شد، به رفتار باروری جهت می‌دهد. آتوسا ۳۰ ساله مجرد و با تحصیلات لیسانس اعتقاد دارد که

سیاست‌های فرزندآوری مفید هستند. امید ۳۹ ساله، مجرد و با تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«فرزندآوری یک نگاه بیست ساله است. من اگر بچه‌دار نمی‌شم، نه اینکه پنج ساله دیگه را نمی‌بینم، اگر تو این دید ده‌ساله را به من بدی که تا ده سال دیگه خوب میشه اوضاع، من بچه میارم؛ چون میگم بعدشم تا ۱۰ سال دیگه حتماً بهتر هم میشه. قبلاً زیاد می‌آوردند؛ چون به نیازهای بچه‌ها اهمیت نمی‌دادن. نه تحصیلشون مهم بود نه آیدشون. اصلاً تفکری نبوده. همون نسل الانم پشیمونن البته».

آینده‌هراسی

نگرانی و ترس از آینده با پایین آمدن احتمال فرزندآوری مرتبط است و چنین نگرانی‌هایی بیشتر به دغدغه‌هایی مرتبط است که به نسل آینده وجود دارد. براساس پژوهش حاضر این نگرانی‌ها بیشتر برآمده از ملاحظه‌های اقتصادی و شغلی افراد است. در پژوهش حاضر، افراد ترس از آینده نامعلوم، نداشتن آینده ذهنی مالی، کم‌شدن کورسوی امید و پیش‌بینی ناپذیری موقعیت را از ترس‌های خود برای داشتن فرزند عنوان کرده‌اند. اشکان ۳۹ ساله مجرد و با تحصیلات فوق‌دیپلم می‌گوید:

«وقتی بچه‌دار میشی، براتون یه تعهداتی به وجود میاد و یه سری شرایط خاصی براتون به وجود میاد؛ یعنی یه آتیه‌ای را می‌خوای. همش دغدغه آیدشون را داری. دغدغه تأمین مالی‌شون را داری و از اینجور چیزا. وقتی بچه داشته باشی، از مردن می‌ترسی؛ چون نگران آیدشی. اگر من نباشم، اگر حقوق یا پولی که از بیرون در میارم نباشه، شرایطش چی میشه؟»

جامعه در مخاطره

زندگی در جامعه پرمخاطره بر رفتار باروری افراد اثرگذار است. مشارکت‌کنندگان افزایش ناامنی‌های اجتماعی، جامعه‌تربیت نشده، افسارگسیختگی جامعه، انتشار اخبار ناگوار از حوادث اجتماعی، ناامیدی گسترده در جامعه را از جمله نگرانی‌های خود برای داشتن فرزند و یا آوردن فرزند دیگر

«بچه زیادداشتن هنر نیست. هنر اینکه تو این جامعه بتونی به بچه‌ها به بهترین نحو بزرگ کنی. اونیه که زیادداره، از فقر فرهنگی اصلاً به نیازهای بچه‌ها توجه نمی‌کنه. واسه همین میاره، از روی بی‌فکریشون».

تحصیلات کارشناسی ارشد می‌گوید:

«ما خودمون سخت تلاش کردیم و این چیزهایی که داریم را بهش رسیدیم. من میخوام بچه‌ام در رفاه نسبی به دنیا بیاد. دغدغه نداشته باشه. چیزی واسش حسرت‌نشه».

هزینه‌بر بودن فرآیند بارداری

یکی از چالش‌های دیگری که خانواده‌ها در تصمیم برای فرزندآوری با آن مواجه هستند، هزینه‌بر بودن فرآیند زایمان و بزرگ کردن فرزندان است. از نظر مشارکت‌کنندگان، هزینه‌های داشتن فرزند اعم از هزینه‌های زایمان و هزینه‌های مراقبت حین و پیش از بارداری، هزینه‌های فراوانی برای خانواده دارد. ملاحظه‌های هزینه‌ای حتی پس از تولد فرزندان و تا پشت‌سر گذاشتن سنین کودکی و نوجوانی فرزند نیز دغدغه افراد است. شهرام ۴۱ ساله، متأهل با یک فرزند، و تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«بحث‌های ۹ ماه بارداری، بیمارستان و تا بیاد بچه رشدکنه، تغذیه‌اش، بحث پزشکی و چیزایی که هست. اگر آدم یک مقدار توانش را نداشته باشه، آسایش به بچه می‌رسه».

تلخی تجربه زیسته

اغلب افرادی که در خانواده‌های پُرجمعیت به دنیا آمده‌اند، ادعان دارند که در دوران کودکی و در فرآیند جامعه‌پذیری و رشد شخصیتی همواره با سختی‌هایی مواجه بوده‌اند. کمبود امکانات رفاهی و تحصیلی از جمله دشواری‌هایی بوده است که آنها با آن درگیر بوده‌اند. گذار آنها از نوجوانی به جوانی سریع اتفاق افتاد. سریع‌تر پا به دنیای بزرگسالی گذاشتند و رویارویی با مشکلات باعث شده است که اکنون طالب رفاه بیشتر برای فرزندان خود باشند و به نوعی یک ایدئال‌خواهی در برابر فرزندآوری داشته باشند. متولدین دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ که در زمان انفجار جمعیت به دنیا آمدند و اکنون در سن فرزندآوری هستند، یکی از چالش‌های خود را در فرزندآوری تجربه زیسته خود از سختی‌ها و ترس از تکرار آن برای فرزندان خود می‌دانند. شادی ۳۶ ساله، متأهل و با

مسئولیت‌پذیری اجتماعی

به‌گفته مشارکت‌کنندگان، با افزایش تحصیلات و دسترسی به رسانه‌های گروهی مختلف، افراد به خودآگاهی‌های اجتماعی و فردی دست یافته‌اند. این خودآگاهی بر تعریف آنها از فرزند و انتظارشان از فرزندآوری اثر گذاشته است. آنها به فرزندآوری آگاهانه و مسئولانه، درک اهمیت نقش والدینی و تفکر به فلسفه زایش یک انسان تأکید داشتند. امید ۳۹ ساله مجرد و با تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«به‌نظر من خانواده درست‌ترین اتفاق هستش که می‌تونه، بیوفته. اگر مسئولیت‌پذیری و شعور و درک ارزش این نقش را داشته باشند، چراکه نه! صرفاً یک نیرو و یک قوایی نیست که من دارم یا ندارم. بیشتر فرزندآوری یک درک، یک شعور، یک مسئولیت هستش. شما می‌تونید از من بپرسید که آیا آماده پذیرش این نقش و این مسئولیت بزرگ هستم یا نه؟ همه می‌تونند فرزندآوری کنند. اگر مشکلات جنسی و جسمی را نداشته باشند. مشکلات زیرساختی فردی را نداشته باشند، همه می‌تونند زادوولد کنند و بچه داشته باشند. من صرفاً بچه‌دار شدن را به فرایند بیولوژیک نمی‌بینم، فراتر از این‌هاست. پذیرش یک مسئولیت، تعهد به یک نقش جدید. آیا آمادگی پذیرش این نقش را داری که به‌عنوان یک پدر وظیفه‌ات را انجام بدی؟»

کم‌شدن امنیت احساسی

براساس هرم مازلو^۱، بعد از نیازهای اساسی و نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت وجود دارد (Aruma & Hanachor, 2017). این مهم‌ترین نیاز پس از نیازهای اولیه است. احساس امنیت انواع مختلف دارد. امنیت زیستی-محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و احساسی. منظور از امنیت رهایی از خطر و

¹ Maslow

می‌کنند. از سوی دیگر، دیدن تجربه طلاق در خانواده‌ها که بیشتر تحت تأثیر اوضاع مالی اتفاق افتاده است، باعث شده تا جایگاه خانواده متزلزل شود. امید ۳۸ ساله، مجرد و با تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«الان همیشه یک خانواده را اداره کرد. درگذر زمان ضعیف شدن مردها و خانواده‌ها متأثر از بحث‌های اقتصادی است. پدر-مادرها اکثراً شرمندۀ خانواده و بچه‌هاشون هستند. آنها ذهنشون اونقدر پاسخگو نیست؛ چون مسائل فراتر از زور خانواده هست.»

اطمینان نداشتن به سیاست‌ها

اعتماد جزء جدانشدنی عملکرد هر جامعه‌ای است. اعتماد مردم به دولت و دولت به مردم باعث پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و منجر به همبستگی بیشتر در هر کشوری می‌شود. دولت نیز به اعتماد مردم نیاز دارد تا بتواند برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به‌نحو مطلوبی اجرا کند. داده‌های اخیر در پیمایشی که در ۶۲ کشور توسعه یافته و در حال توسعه انجام گرفته است، حاکی از کاهش چشمگیر اعتماد مردم به دولت‌ها از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ بوده است (United Nation Department of Economic and Social Affairs, 2021). افراد حاضر در این پژوهش نیز یکی از عوامل تشویق نشدن به فرزندآوری را بی‌اعتمادی به دولت، وعده‌های واهی دولت، واقع‌بینانه نبودن مشوق‌ها و صداقت نداشتن دولت با مردم عنوان کرده‌اند. ارسال ۲۹ ساله مجرد و دانشجوی دکتری می‌گوید:

«تو جامعه‌ای که شما تورم ۴۰ درصد دارید، تورم فقط یک عدد نیست. تورم نظام اخلاقی آدم را عوض می‌کنه. تورم اخلاقیات را زیر سؤال می‌بره. تو چنین جامعه‌ای شما وقتی نتونید معیشت مردم را به یک سطح ثابت برسونی و رضایتشون را از معیشت و از نظام قیمت‌گذاری ببرید بالا یا حداقل کمش نکنی، هیچ‌سیاستی جواب نمیده و محکوم به شکست هست.»

تمایل به مهاجرت

افراد اغلب انگیزه‌های مختلفی برای مهاجرت دارند. گروهی

تهدید و نبود ترس به عوامل بیرونی است (یاری و هزارجریبی، ۱۳۹۱). از جمله مسائلی که مشارکت‌کنندگان با آن مواجه بوده‌اند: نداشتن احساس امنیت احساسی یا نداشتن رفاه ذهنی بود. نارضایتی از زندگی، کم‌شدن آرامش و احساس خوشبختی. ارشیا ۳۰ ساله، مجرد با تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«اگر می‌خواهی بچه‌ای به این دنیا بیاری، باید قبلش از نظر احساسی و عاطفی مطمئن باشی. بدونی زنت دوست‌داره و همراهت می‌مونه. تو جامعه الان نمی‌شه اعتماد کرد.»

دغدغه‌های انباشته

افراد برای اینکه تصمیم به بچه‌دار شدن بگیرند یا بخواهند به فرزند دیگری فکر کنند، خودشان را در محاصره انبوهی از نگرانی‌ها و استرس‌ها می‌بینند. نگرانی از آینده اقتصادی، نگرانی فرهنگی، اجتماعی و نگرانی‌های سلامت‌محوری که با توجه به شیوع کرونا در این سال‌ها تشدید شده است. آرش ۳۸ ساله، متأهل و با تحصیلات کارشناسی می‌گوید:

«شرایط بچه از قبل از تولد تا بعدش اینقدر دغدغه‌داره که ترجیح میدم، اصلاً دیگه این دغدغه‌ها را نداشته باشم. از قبلش آزمایش خون و آزمایش و اینا. برای بچه‌دار شدن باید خانم ۹ ماه تنش روحی نداشته باشه. مشکل نداشته باشه. من اگر بخوام بچه‌ای داشته باشم، الان باید خودمان خانه‌ای داشته باشیم که نگران جابجاشدن نباشم.»

جایگاه متزلزل خانواده

خانواده اساسی‌ترین رکن جامعه است. با گسترش مدرنیزاسیون خانواده‌ها تغییر شکل دادند و از عمومی بودن خانواده گسترده به عمومی بودن خانواده هسته‌ای تبدیل شدند؛ اما خانواده ایرانی همیشه نقش حمایت‌گری خود را به فرزندان داشته است. به اذعان مشارکت‌کنندگان این پژوهش با بیشتر شدن مشکلات اقتصادی، خانواده در ایفای نقش حمایت‌گری بین‌نسلی خود در قبال فرزندان ناکام مانده است. مردان در نقش خود به‌عنوان نان‌آور و ستون خانواده، تحت تأثیر اوضاع اقتصادی و تورم در جامعه احساس ناتوانی

اشتغال زنان، ازدواج و به تبع آن فرزندآوری با تأخیر اتفاق می‌افتد. افراد حاضر در این پژوهش معتقد بودند که تمایل دارند تا زمانی که ایدئال‌های ذهنی‌شان در زمینه شغل مناسب و مسکن و در مجموع، اوضاع مطلوب زندگی برآورده نشده است، فرزندآوری خود را به تعویق بیندازند. یکی دیگر از مسائلی که افراد درباره به تأخیر انداختن فرزندآوری به آن اشاره می‌کردند، ارتقا خود بود. به نحوی که ترجیح می‌دادند، به لحاظ فکری، آگاهی و مالی خود را به سطح پذیرفتنی برسانند و سپس اقدام به فرزندآوری کنند. سبحان ۳۸ ساله مطلقه، بدون فرزند و با مدرک فوق دیپلم می‌گوید:

«من هم دوست دارم، پدر بشوم؛ اما حالا بگذار پنج سال دیگه. حداقل پدری بشم که مسئولیت‌پذیره. یه بابای خوب که بتونه جواب سؤالای بچه‌اش را بده. الان مسیر زندگی را بردم به اون سمت که خودم را بالا بکشم».

الگوی پارادایمی

یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که این روزها خانواده ایرانی با آن مواجه هستند، محاسبات ذهنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی است که برای فرزنددار شدن انجام می‌دهند. در شکل ۱ الگوی پارادایمی به دست آمده از یافته‌های میدانی پژوهش حاضر ترسیم شده است. شرایط علی در این الگوی پارادایمی، عبارت است از: بیم و هراس‌های اقتصادی، آینده‌هراسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دغدغه‌های انباشته. بیم و هراس‌های اقتصادی بدین معناست که افراد با توجه به اقتصاد ناپایدار نمی‌توانند برای آینده هدف‌گذاری کنند و مجبورند از ایده‌آل‌های ذهنی خود فاصله بگیرند. ترس از آینده مبهم و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (که تحت تأثیر افزایش تحصیلات و رشد آگاهی مردم رشد نیز یافته است)، دغدغه‌های بی‌شمار اعم از دغدغه مالی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و پزشکی و... را برای والدین ایجاد نموده و آنها را در تصمیم خود به فرزندآوری دچار تردید می‌کند. این‌ها از جمله علت‌هایی هستند که فرد را برآن می‌دارد تا به فرزندآوری در ترازوی عقلانیت ابزاری بنگرد.

به دلایل مذهبی یا سیاسی و اجتماعی یا به دلایل اقتصادی اقدام به مهاجرت می‌کنند؛ اما آن چیزی که افراد را به مهاجرت از وطن خود سوق می‌دهد، امیدی است که برای رسیدن به رفاه بیشتر دارند. رویاها و امیدهایی که برای آینده فرزندانشان دارند. در پژوهش حاضر نیز والدین از تلاش خود برای فراهم کردن راه رفتن صحبت می‌کردند. فرهاد ۳۹ ساله، متأهل بدون فرزند و با تحصیلات لیسانس می‌گوید:

«من فقط فکر می‌کنم اگر بچه‌ای داشته باشم، سریع از این کشور خارج می‌کنم. روزی که به دنیا می‌آید، از همون روز فکر کنم، کدوم کشور بفرستمش. من می‌گم فرزندآوری توی این کشور نشان از بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی پدر و مادری و اگر می‌خوان جرمشون سبک‌تر بشه، سعی کنند بچه را سریع‌تر از این کشور خارج کنند، شرایطی را فراهم کنند که بچه برود».

میل به تک‌فرزندی

هنگامی که میزان باروری به سطح جایگزینی (۲/۱) فرزند به ازای هر زن) و یا کمتر از آن برسد، پیش‌بینی می‌شود که عده‌ای از خانواده‌ها به داشتن یک فرزند بسنده کنند و با استمرار کاهش میزان باروری میزان خانواده‌های تک‌فرزند قطعی و یا احتمالی افزایش یابد (عرفانی و شجاعی، ۱۳۹۸).

در پژوهش حاضر، مشارکت‌کنندگان ترجیح می‌دادند که به لحاظ مالی، زمانی و احساسی هرآنچه در توانشان دارند برای یک فرزند هزینه کنند. آنها اگرچه معتقد بودند که تک‌فرزندی الگوی مطلوبی برای آنها نیست، با توجه به موقعیت کیفیت را بر کمیت ترجیح می‌دادند. هستی ۴۱ ساله متأهل با یک فرزند و تحصیلات کارشناسی ارشد می‌گوید:

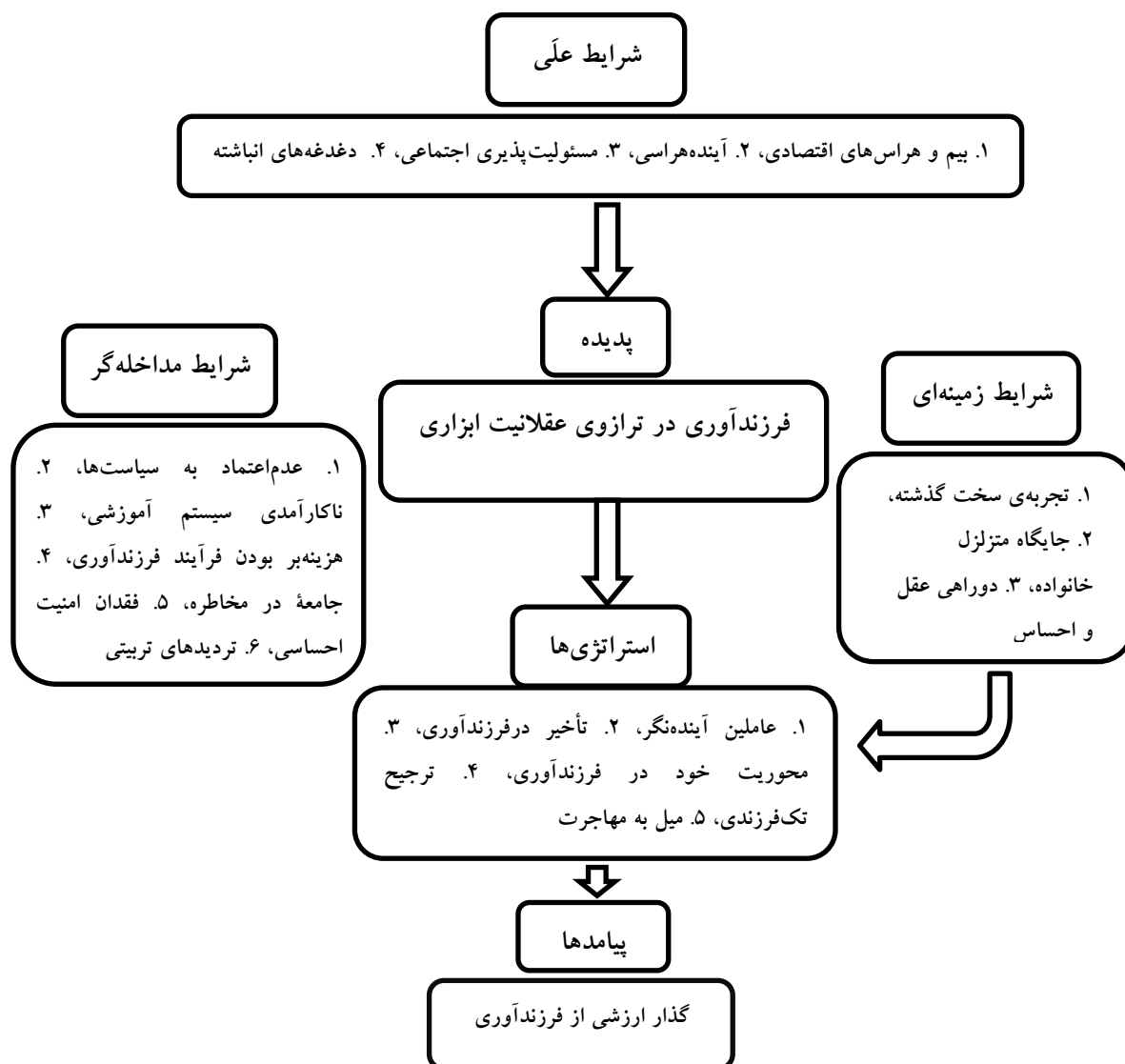
«من نگران تنهایی بچه‌ام در آینده می‌شوم؛ اما با توجه به شرایط و اینکه نمی‌تونیم از عهده مخارج همین یه دونه هم بر بیایم، ترجیح میدم وقت و انرژی و امکاناتی را که می‌تونم در اختیار همین یه دونه دخترم بگذارم، از طرفی سنم دیگه بهم همچین اجازه‌ای را نمیده».

تأخیر در فرزندآوری

با توجه به افزایش طول دوران تحصیل و اشتغال، به‌ویژه

بین‌نسلی متأثر از موقعیت نامناسب اقتصادی، تجربه داشتن زندگی سخت، کمبود امکانات و منابع متأثر از جمعیت پرتعداد متولدین دهه ۱۳۶۰، ترس از تکرار آن برای نسل جدید و دو راهی عقل و احساس. ازسوی دیگر، شرکت‌کنندگان در این پژوهش، فرزندآوری را با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی منطقی نمی‌دانند؛ اما به لحاظ روانی و عاطفی به آن احساس نیاز می‌کنند.

از جمله علت‌هایی که فرد را برآن می‌دارد تا به فرزندآوری در ترازوی عقلانی بودن ابزاری بنگرد: ترس از آینده مبهم، مسئولیت‌پذیری اجتماعی که تحت‌تأثیر افزایش تحصیلات و رشد آگاهی مردم رشد یافته است، دغدغه‌های بی‌شمار اعم از دغدغه مالی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و پزشکی و ... که والدین را در تصمیم خود دچار تردید می‌کند. بسترهای زمینه‌ساز این علل، عبارت است از: جایگاه متزلزل خانواده، احساس ناکامی والدین و خانواده در تأمین مطلوب حمایت



شکل ۱- الگوی پارادایمی پژوهش

Fig 1- A Paradigm Model for Value Modification from Parenting

ترجیح تک‌فرزندگی، تأخیر در فرزندآوری، تلخی تجربه زیسته، تزلزل خانواده، دوراهی عقل و احساس، بی‌اعتمادی به سیاست‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دغدغه‌های انباشته بود. در نهایت، مقوله هسته گذار ارزشی از فرزندآوری از دل مقوله‌های اصلی بیرون آمد.

باتوجه به یافته‌های این پژوهش، آینده‌هراسی، بیم و هراس‌های اقتصادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دغدغه‌های انباشته عواملی است که باعث می‌شود افراد فرزندآوری را در ترازوی عقلانی بودن ابزاری ببینند. پیش‌بینی ناپذیر بودن آینده به‌ویژه آینده مالی و اجتماعی افراد و کم‌شدن کورسوی امید به آینده، افراد را در تصمیم خود برای فرزندآوری و یا داشتن فرزند دیگر دچار تردید می‌کند. این نتیجه در مطالعات دیگر نیز تأیید شده و ناامیدی به آینده جامعه، یکی از مهم‌ترین عوامل در کاهش تمایل به فرزندآوری گزارش شده است (طاووسی و همکاران، ۱۳۹۶؛ عبداللهی و رحیمی، ۱۳۹۶؛ ترکیان و لاشانی و همکاران، ۱۳۹۸).

بیم و هراس‌های اقتصادی، ناامنی شغلی، شکنندگی پارامترهای اقتصادی، اقتصاد بیمار و متزلزل و مضیق‌های اقتصادی که خانواده‌ها با آن مواجه‌اند، بنابر یافته‌های این پژوهش و به تأیید پاره‌ای از مطالعات انجام‌شده (موسوی و قافله‌باشی، ۱۳۹۲؛ مطلق و همکاران، ۱۳۹۵؛ عرفانی و شجاعی، ۱۳۹۸) عاملی کلیدی در ایجاد تردید برای فرزندآوری بوده است. این یافته با الگوی نظری فالن و اولاً^۱ (2018) نیز هماهنگ است. در این الگو بیان می‌شود که امنیت اقتصادی (امنیت شغلی و درآمدی) بر احساس خطر و امنیت افراد اثرگذار است و همچنین این احساس بر نیت‌های باروری افراد اثر می‌گذارد. مطالعه عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۳) اثر ناامنی اقتصادی را بر رفتار و ایدئال‌های باروری پایین زنان نشان داده است. ازسوی دیگر، افراد با دغدغه‌های بی‌شماری مواجه هستند؛ مانند دغدغه اقتصادی، دغدغه تربیتی و آموزشی، احساسی اجتماعی و فرهنگی. درحقیقت، خانواده‌ها به دلیل کم‌شدن حمایت‌های نهادی و اجتماعی، خود را با این دغدغه‌ها تنها می‌بینند که این باعث افزایش ترس و تردید آنها بر

پیامد چنین استراتژی‌هایی گذار ارزشی است. تحت تأثیر گذار دوم جمعیت‌شناسی با افزایش فردگرایی، افزایش تحصیلات به‌ویژه تحصیلات زنان، افزایش اشتغال زنان، تغییرات رخ داده در اقتصاد و تغییرات اتفاق افتاده در بستر جامعه باعث می‌شود که ارزش‌ها تغییر کند. این تغییرات موجب می‌شود که داشتن خانواده بزرگ که روزی مایه مباهات و فخر بود، اکنون از منظر نگاه کلی جامعه و باز هم به اذعان تعدادی از مشارکت‌کنندگان نشانه فقر فرهنگی، بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی قلمداد شود.

نتیجه

هدف از پژوهش حاضر درک و شناسایی چالش‌های افراد برای تصمیم به فرزندآوری و پاسخ به این پرسش بود که چرا افراد برای تصمیم به فرزندآوری، دست به محاسبه می‌زنند؟ مطالعه حاضر در شهر اصفهان انجام شد که یکی از بسترهای باروری پایین در ایران است. یکی از محدودیت‌های این مطالعه همانند هر پژوهش کیفی دیگر قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها بود. با این حال، به باور ما دیگر مناطق جغرافیایی ایران در بسیاری از ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی شباهت‌های فراوانی با بستر مطالعه حاضر دارند و از طرف دیگر، خانواده‌های ایرانی در تمامی مناطق کشور در سالیان اخیر، در حال درک تجربه‌های مشترک به‌ویژه در زمینه فشارهای اقتصادی و تورم بوده‌اند. در نتیجه، بخشی از یافته‌های پژوهش حاضر به احتمال، برای تحلیل باروری پایین ایران در سایر مناطق جغرافیایی کشور نیز مصداق و مناسبت داشته است؛ بنابراین دستاوردهای علمی این پژوهش حاوی پیام‌های سیاستی برای مدیران و سیاست‌گذاران با هدف ارتقا سطح باروری است. برپایه یافته‌های میدانی این پژوهش، ۲۰ مقوله اصلی شناسایی و استخراج شد که شامل بیم و هراس‌های اقتصادی، جامعه در مخاطره، گذار ارزشی، تمایل به مهاجرت، محوریت خود در فرزندآوری، آینده‌هراسی، عاملان آینده‌نگر، کم‌شدن امنیت احساسی، ناکارآمدی سیستم آموزشی، هزینه‌بر بودن فرآیند فرزندآوری، تردیدهای تربیتی،

¹ Fahlén & Oláh

به فرزندآوری توجه شده است. از این منظر، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد، نظر خود را بیان کنند. به نظر مشارکت‌کنندگان این مطالعه بی‌اعتمادی به سیاست‌های تشویقی دولت عاملی است که بر تردید آنها در تصمیم برای فرزندآوری اثرگذار بوده است. براساس نظریه ریسک‌گریزی، جامعه‌ای که هزینه‌های کودکان را جبران نمی‌کند، ناگزیر فرزندان کمتری خواهد داشت؛ بنابراین کاهش میزان باروری، بیشتر به دلیل افزایش بی‌فرزندگی، پاسخی عملی به کم شدن حمایت‌های اجتماعی است. این احساس در بین پاسخگویان وجود داشت که سیاست‌های موجود آینده فرزند را به لحاظ مالی و اجتماعی تأمین نمی‌کند. نتایج مطالعه آقاباری‌هیر و همکاران (۱۳۹۵) و عبدلهی و رحیمی (۱۳۹۶) نیز بر کاهش اعتماد مردم به دولت تأکید داشته است. گیتل باستن^۲ (2015) اشاره می‌کند که زندگی در جامعه در مخاطره اثر عمیقی بر رفتار باروری خواهد داشت. هرچند براساس برخی نظریه‌ها تمایل به افزایش استانداردهای زندگی تقاضا را برای محدود کردن اندازه خانواده بیشتر می‌کند؛ اما توضیح دقیق‌تر را می‌توان در تنش‌ها و چالش‌های یک جامعه در مخاطره جست‌وجو کرد (Husain & Dutta, 2016). کم شدن امنیت احساسی، ناکارآمدی سیستم آموزشی که از یک سو هزینه‌بر است و از سوی دیگر منجر به کشف استعداد نمی‌شود، هزینه‌بر بودن فرآیند زایمان و همچنین جامعه در مخاطره از جمله عوامل مداخله‌گری هستند که بر تردیدهای تصمیم به فرزندآوری مؤثر بوده‌اند. این یافته با مطالعه جهانگیری و همکاران (۱۳۹۳) هماهنگ است.

با ورود مدرنیزاسیون بچه‌ها دیگر نقش مشارکتی خود را در اقتصاد خانواده از دست دادند و لزوم داشتن چنین نقشی کاهش یافت (Caldwell, 1982). خانواده که روزگاری کارکرد حمایت‌گری داشت، اکنون به دلیل مشکلات اقتصادی این کارکرد خانواده کم‌رنگ‌تر شده است. شرایط زمینه‌سازی که منجر می‌شود، خانواده‌ها فرزندآوری را در ترازوی عقلانی بودن ابزاری ببینند، شامل جایگاه متزلزل خانواده در ایفای نقش

فرزندآوری می‌شود. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عامل دیگری است که ذهن پاسخگویان را درگیر کرده است. مشارکت‌کنندگان تصمیم به داشتن و یا نداشتن فرزندآوری را یک تصمیم مسئولانه و آگاهانه می‌دانستند که برای آنها همراه با الزام‌ها و تعهدهایی خواهد بود. براساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، انجام دادن یک رفتار یا دستیابی به یک هدف به‌عنوان یک عمل عقلانی در نظر گرفته می‌شود. تحقق نیت‌ها ممکن است تحت تأثیر عوامل و محدودیت‌های واقعی (وضعیت کم‌درآمد) قرار گیرد و با کنترل رفتاری درک‌شده (چگونه وضعیت درآمد با دستیابی به هدف درک می‌شود) در تعامل باشد؛ بنابراین ناامنی‌های اقتصادی موجود و ناامنی‌های اجتماعی که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره کرده‌اند، کنش افراد را برای فرزندآوری تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به تصمیم به بی‌فرزندگی یا کم‌فرزندگی می‌شود. در تأیید این یافته، لوتز و همکاران^۱ (2006) کاهش امنیت اجتماعی، خطرها و نااطمینانی‌های اجتماعی و اقتصادی را از جمله عواملی می‌دانند که بر نیت‌های باروری اثرگذار هستند و از آنجایی که جوانان بیشتر درگیر تجربه این ناامنی‌ها هستند، ایدئال‌ها و نیت‌های فرزندآوری کاهش پیدا می‌کند. برخلاف مطالعه پروینیان و همکاران (۱۳۹۷) و آقاباری‌هیر و همکاران (۱۳۹۵) که کم‌فرزندگی را تحت تأثیر تحقیر نقش مادری می‌دانند، در این مطالعه مشارکت‌کنندگان کم‌فرزندگی را نتیجه احساس مسئولیت درک‌شده در برابر به دنیا آوردن و بزرگ کردن فرزند می‌دانستند. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش عبدلهی و فرجادی (۱۳۹۵) و خلج‌آبادی‌فراهانی و کیانی‌علی‌آبادی (۱۳۹۷) همسوست.

به‌گفته مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر تردیدهای تربیتی، نگرانی از تربیت دوگانه فرزند، نداشتن زمان کافی برای تربیت فرزند از جمله عوامل مؤثر بر تردید در فرزندآوری است. این نتیجه در مطالعه رضوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، خلج‌آبادی‌فراهانی و سرایی (۱۳۹۱) تأیید شده است. در سال‌های اخیر به تغییر سیاست‌های جمعیتی و تشویق

² Gitel Basten¹ Lutz et al

استراتژی‌هایی است که بیان شد.

شکل ۲ طرح‌واره نظری مطالعه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، گذار ارزشی از فرزندآوری در جامعه بررسی شده، اتفاق افتاده است. این گذار ارزشی از فرزند با افزایش فردگرایی و ایدئال‌گرایی همراه است. از نظر جامعه‌شناسانی مانند گیدنز^۱ (1994) و بک و بک-گرنشایم^۲ (2002) تغییری که با مدرنیته آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. این فرآیند ساختارها را درهم می‌شکند و به سوی فردی شدن پیش می‌رود. این تغییر تمام ابعاد زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود که امروزه زندگی انسان‌ها کمتر تحت تأثیر سنت‌ها و بیشتر متأثر از تجربه شخصی باشد (کنعانی و بخشی، ۱۳۹۳). علاوه بر این، تغییر در سبک زندگی، شیوه زندگی را بیشتر به سمت مصرف‌گرایی و عافیت‌طلبی سوق داده است. تغییرات در سیستم ارزشی و نگرشی بر رفتار باروری زیرسطح جانشینی مؤثر است؛ بنابراین دلیل تغییر باروری به زیرسطح جانشینی، تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی توسعه فردی و یا خودتحقق‌بخشی و اهمیت آزادی اجتماعی و فردی است؛ به طوری که افراد زمانی تصمیم می‌گیرند یک بارداری را بپذیرند که تولد برایشان مطلوب باشد و باعث غنا و توسعه زندگی آنها شود (خلج‌آبادی‌فراهانی و سرابی، ۱۳۹۱: ۳۳).

جامعه ایران، جامعه‌ای است که در حال تجربه گذار از سنت به مدرنیته است. در مسیر این گذار، فرزندآوری زیاد که روزی ارزش محسوب می‌شد اگر نگوئیم تبدیل به یک ضدارزش شده است، ارزش آن تا حدودی کم‌رنگ، به گونه‌ای که کم‌فرزندگی تبدیل به هنجار و همچنین از بی‌فرزندگی تابوردایی شده است. در واقع، در جامعه در حال گذار، کسی به دلیل انتخاب بی‌فرزندماندن مؤاخذه و قضاوت نمی‌شود. برعکس آن چیزی که در قدیم معمول بود، یعنی تغییر در شیوه نگرش به مسئولیت باعث شد که افراد به دلیل احساس مسئولیت بیشتر در مقابل آینده اجتماعی و اقتصادی فرزند

حمایتی بین نسلی، دو راهی عقل و احساس و تجربه نسلی سخت گذشته است. هماهنگی با این نتایج، در مطالعه جهانگیری و همکاران (۱۳۹۳) به اثر تجربه سخت زندگی در خانواده‌های پرجمعیت و اثر آن بر کم‌فرزندگی اشاره شده است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد هنگامی که افراد در ترازوی عقلانی بودن ابزاری، فرزندآوری را سنجش می‌کنند، چنین محاسباتی افراد را به استفاده از استراتژی‌هایی نظیر تبدیل شدن به عاملان آینده‌نگر، به تأخیر انداختن فرزندآوری، خودمحوری در فرزندآوری، ترجیح تک‌فرزندگی و فراهم کردن موقعیت مهاجرت برای فرزند یا خود سوق خواهد داد.

در جامعه معاصر با اهمیت یافتن خود و مسئولیت شخصی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ بنابراین افراد در تصمیم خود برای فرزندآوری شروع به انتخاب می‌کنند. آنها فرزندآوری را یک انتخاب شخصی می‌دانند و در اولویت‌های زندگی خود، آن را بعد از رسیدن به خواسته‌های مالی و اجتماعی قرار می‌دهند. از طرفی، به سبب تمایل به ارتقا خود و خودتحقق‌یابی ترجیح می‌دهند که بیشتر برای ارتقا خود گام بردارند و سپس به فکر داشتن فرزند باشند. به نظر می‌رسد در این بخش برخی از گزاره‌های نظریه گذار دوم جمعیتی صادق باشد؛ زیرا این نظریه دلیل تغییر باروری به زیرسطح جانشینی را تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی توسعه فردی و یا خودتحقق‌بخشی و اهمیت آزادی اجتماعی و فردی می‌داند. بر همین اساس، یافته‌های این پژوهش درباره محوریت خود در فرزندآوری با یافته‌های مطالعه پروینیان و همکاران (۱۳۹۷)، خلج‌آبادی‌فراهانی و کیانی‌علی‌آبادی (۱۳۹۷) همسو بوده است. پیامد همه اینها گذار ارزشی از فرزندآوری است. کم‌فرزندگی زیرحمایت یکسری ارزش‌های جدید قرار دارد. ارزش‌هایی که بخشی از آنها نتیجه گسترش ارتباطات اجتماعی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است و بخشی از آن ملهم از منابع نهادی جامعه است (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۹). در این مطالعه گذار ارزشی بعد از تغییرات رخ داده در بستر اقتصاد، اجتماع و سبک زندگی رخ می‌دهد و نتیجه آن هم راهکارها و

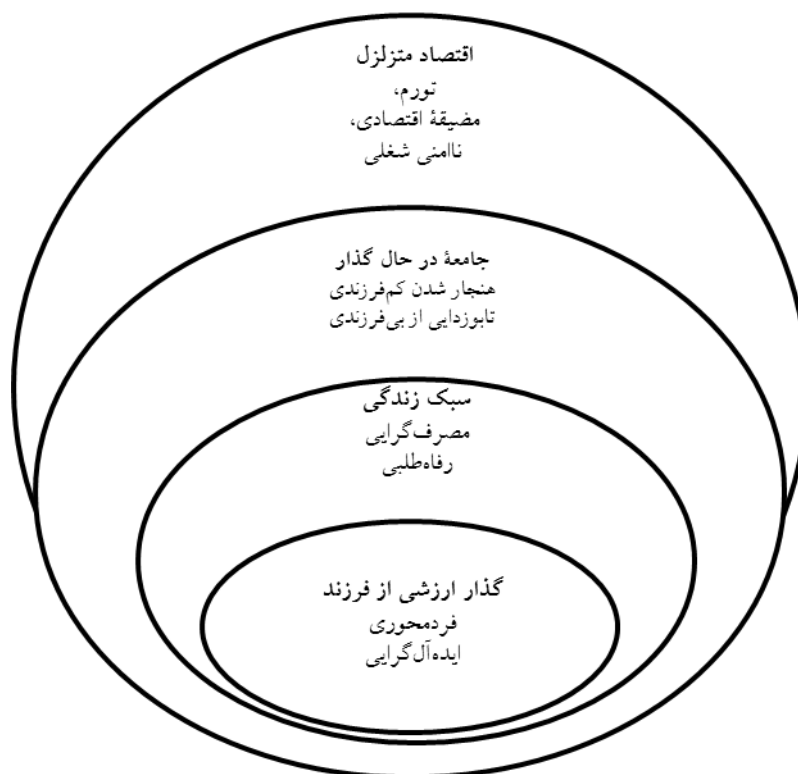
¹ Giddens

² Beck & Beck-Gernsheim

بخردانه و برنامه‌ریزی شده افراد در تصمیم‌گیری‌های خود و در درگیر شدن در یک رفتار معین بیشتر منطقی عمل می‌کنند و از اطلاعات در دسترس خود برای تصمیم‌گیری درباره انجام دادن یک رفتار استفاده می‌کنند؛ از این رو، رفتار به‌طور مستقیم مبتنی بر قصدی است که خود با فرآیند استدلال شکل می‌گیرد (Dommermuth et al., 2015). یافته‌های پژوهش حاضر در قالب مقوله فرزندآوری در ترازوی عقلانی بودن ابزاری با دیدگاه‌های نظری فوق هماهنگ است.

کم‌فرزندی و در مواردی بی‌فرزندی را انتخاب کنند. اقتصاد بیمار و ناامنی‌های اقتصادی از یک سو و آینده‌هراسی والدین بالفعل و یا بالقوه، از سوی دیگر باعث تغییر نگرش آنها در فرزندآوری شده است.

افراد در پاسخ به تغییرات اجتماعی گسترده اغلب راه‌هایی را در پیش می‌گیرند که شامل کمترین سازماندهی و هزینه باشد؛ مانند به تعویق انداختن ازدواج و فرزندآوری (Davis & Blake, 1956: 235). از سوی دیگر و بنابر نظریه‌های رفتار



شکل ۲- طرح‌واره نظری گذار ارزشی از فرزندآوری

Fig 2- Theoretical schema for value modification from parenting

نتایج پژوهش حاضر برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه جمعیت و مفید است؛ زیرا اثربخشی قوانین جدید حامی افزایش جمعیت بوده است و تنها در صورتی اتفاق خواهد افتاد که درک درستی از چالش‌های افراد در حوزه فرزندآوری در سطح سیاست‌گذاران وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد، انجام دادن پژوهش‌های ترکیبی (کمی-کیفی) در حوزه‌های تمایل‌ها، ترجیح‌های فرزندآوری و مطالعاتی که ذهن‌های افراد را در زمینه

تصمیم‌های مربوط به فرزندآوری نشان بدهد، باعث افزایش غنای بیشتر مطالعات در این حوزه می‌شود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته جمعیت‌شناسی در دانشگاه یزد است که با بهره‌مندی از فرصت مطالعاتی مقطع دکتری در دانشگاه تهران نگاشته شده است. بدینوسیله از مساعدت دانشکده علوم اجتماعی و گروه

رهیافت کیفی در زنان متأهل بی‌فرزند ساکن شهر تهران»،
نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳ (۲۵)، ۶۷-۱۰۶.
 خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف. و سرایی، ح. (۱۳۹۱). «قصد
 تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان دارای
 یک فرزند کمتر از ۵ سال ساکن تهران»، *نامه انجمن
 جمعیت‌شناسی ایران*، ۷ (۱۳)، ۲۵۶-۲۹۱.

رازقی‌نصرآباد، ح. و سرایی، ح. (۱۳۹۳). «تحلیل کوهورتی
 (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان»،
زن در توسعه و سیاست، ۱۲ (۲)، ۲۲۹-۲۵۰.

رضوی‌زاده، ن.؛ غفوریان، ا. و اخلاقی، ا. (۱۳۹۴). «زمینه‌های
 کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری: مورد مطالعه شهر
 مشهد»، *راهبرد فرهنگ*، ۸ (۳۱)، ۷۳-۹۸.

سرایی، ح. (۱۳۹۴). «بازتولید جمعیت ایران: وضع موجود و
 ملاحظاتی درباره سیاست‌گذاری»، *فصلنامه
 علوم/اجتماعی*، ۲۲ (۶۸)، ۱-۳۴.

شجاعی، ج. و یزدخواستی، ب. (۱۳۹۶). «تجربه زیسته
 تک‌فرزندان از تک‌فرزندی: مطالعه دختران بالای ۱۸
 سال»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۵ (۴)،
 ۴۴۷-۴۷۶.

طاووسی، م.؛ حائری‌مهریزی، ع.ا.؛ صدیقی، ژ.؛ مطلق، م.ا. و
 اسلامی‌نقی‌زاده، ف. (۱۳۹۶). «تمایل به فرزندآوری و
 عوامل مرتبط با آن در ایران: یک مطالعه ملی»، *پایش*، ۱۶
 (۴)، ۴۱۰-۴۰۱.

عرفانی، ا. (۱۳۹۱). *گزارش تفصیلی پیمایش نیات باروری
 تهران*، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا
 و اقیانوسیه.

عرفانی، ا. و شجاعی، ج. (۱۳۹۸). «دلایل عدم تمایل به
 فرزندآوری در شهر تهران»، *سلامت اجتماعی*، ۶ (۲)،
 ۱۱۶-۱۲۹.

عباسی‌شوازی، م.ج.؛ رازقی‌نصرآباد، ح. و حسینی‌چاووشی، م.
 (۱۳۹۹). «امنیت اقتصادی-اجتماعی و قصد باروری در

جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.
 مطالعه حاضر در چارچوب مصوبه کمیته اخلاق در پژوهش
 دانشگاه یزد (مورخ ۱۳/۰۴/۱۴۰۱) انجام شده و دارای کد
 اخلاق IR.YAZD.REC.1401.032 می‌باشد.

منابع فارسی

آقایاری‌هیر، ت.؛ فرخی‌نکارستان، م. و لطیفی‌مجیره، س.ص.
 (۱۳۹۵). «فرزندآوری به‌منابه مخاطره: مطالعه کیفی
 زمینه‌های کم‌فرزندی در شهر تبریز»، *مطالعات راهبردی
 زنان*، ۱۹ (۷۳)، ۷-۳۳.

اوجاقلو، س.؛ مرادی، ع.؛ قاسمی، ا. و ارشدی، ج. (۱۳۹۳).
 «تغییرات نسلی ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان
 پیش و پس از انقلاب اسلامی: مطالعه موردی شهر
 زنجان»، *زن در فرهنگ و هنر*، ۶ (۳)، ۴۲۵-۴۰۹.

پروینیان، ف.؛ رستمعلی‌زاده، و. و حبیبی، ر. (۱۳۹۷). «تأثیر
 سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری: مطالعه
 موردی شهر قزوین»، *فصلنامه زن و جامعه*، ۹ (۴)، ۳۹-
 ۷۲.

ترکیان‌ولاشانی، ص.؛ زمانی‌علویجه، ف.؛ حیدری، ز. و
 شوشتری‌مقدم، ا. (۱۳۹۸). «فرزندآوری: عوامل
 سوق‌دهنده و بازدارنده»، *پایش*، ۱۸ (۳)، ۲۴۱-۲۴۹.

جهانگیری، ج.؛ احمدی، ح.؛ طبیعی، م. و ملتفت، ح. (۱۳۹۳).
 «برساخت فهم زنان تک‌فرزند از چالش‌های فرزندآوری
 مشارکت‌کنندگان: زنان تک‌فرزند شهر اهواز»، *توسعه
 اجتماعی*، ۹ (۱)، ۸۵-۱۱۰.

حمیدی‌فر، م.؛ کنعانی، م.ا. و عباداللهی‌چندانق، ح. (۱۳۹۵).
 «جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر
 رشت»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۱ (۲۲)،
 ۱۰۱-۱۳۵.

خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف. و کیانی‌علی‌آبادی، ف. (۱۳۹۷).
 «بازاندیشی در معنای فرزند و دلالت‌های آن در زندگی:

- شهر تهران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۵ (۲۹)، ۲۳۸-۲۱۱.
- عباسی شوازی، م.ج.، حسینی چاوشی، م. و بنی‌هاشمی، ف.س. (۱۳۹۲). تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر: کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، تهران: پژوهشکده آمار.
- عباسی شوازی، م.ج.، حسینی چاوشی، م.؛ بنی‌هاشمی، ف.س.؛ فتحی، ا.؛ میرزایی، ص.؛ نصیری پور، م.؛ جاوید، ن.م.؛ عباسی، ا.؛ سرخیل، ب. و حسینی، س.م. (۱۳۹۹). تحولات باروری در ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۵، تهران: پژوهشکده آمار.
- عباسی شوازی، م.ج. و خانی، س. (۱۳۹۳). «نامی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنج» نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹ (۱۷)، ۳۷-۷۶.
- عباسی شوازی، م.ج.؛ مکدونالد پ.؛ حسینی چاوشی، م. و کاوه‌فیروز، ز. (۱۳۸۱). «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، نامه علوم/اجتماعی، ۲۰ (۱۰)، ۱۶۹-۲۰۳.
- عباسی شوازی، م.ج. و خواجه‌صالحی، ز. (۱۳۹۲). «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری: مطالعه موردی شهر سیرجان»، زن در توسعه و سیاست، ۱۱ (۱)، ۴۵-۶۴.
- عباسی شوازی، م.ج. و عسکری‌ندوشن، ع. (۱۳۸۴). «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم/اجتماعی، ۲۵ (۲۵)، ۷۵-۲۵.
- عبداللهی، ع. و قاضی‌طباطبایی، م. (۱۳۹۶). «آزمون مدل نظری-مفهومی هم‌افزایی عقلانیت اقتصادی و اجتماعی در کنش فرزندآوری پایین»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۲ (۲۳)، ۸۱-۱۱۴.
- عبداللهی، ع. و فرجادی، غ. (۱۳۹۵). «عقلانیت اقتصادی و اجتماعی و کنش فرزندآوری در شهر تهران: نتایج یک مطالعه کیفی»، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، ۲ (۲)، ۱۰۱-۱۳۱.
- عبداللهی، ع. و رحیمی، ع. (۱۳۹۶). «برساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزندآوری و موانع پیش‌رو: مطالعه موردی کاربران اینترنتی»، مطالعات راهبردی زنان، ۲۰ (۷۷)، ۳۵-۶۰.
- فتحی، ا. (۱۳۹۹). روند باروری ایران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹، تهران: مرکز آمار ایران.
- فروتن، ی.؛ سعیدی‌مدنی، م.؛ عسکری‌ندوشن، ع. و اشکاران، ر. (۱۳۹۳). «الگوها و تعیین‌کننده‌های ترجیح جنسیتی در شهرستان نکا، استان مازندران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹ (۱۷)، ۱۷۱-۱۹۱.
- کنعانی، م.ا. و بخشی، س. (۱۳۹۳). «گسترش فردگرایی و مسئله کم‌فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹ (۱۸)، ۱-۲۵.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضدروشن: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمودیان ح.، محمدپور، ا. و رضایی، م. (۱۳۸۹). «زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سنقر»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۴ (۸)، ۸۵-۱۲۲.
- موسوی، ف. و قافله‌باشی، م. (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین»، مطالعات زن و خانواده، ۱ (۲)، ۱۱۱-۱۳۴.
- مطلق، م.ا.؛ طاهری، م.، اسلامی، م. و نصرالله‌پورشیروانی، د. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر ترجیحات باروری در زنان اقوام ایرانی»، پرستاری و مامایی، ۱۴ (۶)، ۴۸۵-۴۹۵.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تهران: مرکز آمار ایران.

- Abbasi-Shavazi, M.J., and Khani, S. (2014). Economic insecurity and fertility: Case study of married women in Sanandaj District, *Journal of Population Association of Iran*, 9(17), 37-76 [In Persian].
- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P., Hosseini Chavoshi, M., and KavehFirouz, Z. (2003). Study of womens' views on fertility behaviours using qualitative methods in Yazd province, *Journal of Social Sciences*, 20, 169-203 [In Persian].
- Abdollahi, A., and Farjadi, G. (2016). Socio-economic rationality and childbearing behavior in Tehran City: Results from a qualitative study. *Iranian Population Studies*, 2(2), 101-131 [In Persian].
- Abdollahi, A., and Ghazi-Tabatabaei, M. (2018). Examining a theoretical-conceptual model of economic and social rationality synergy in low childbearing, *Journal of Population Association of Iran*, 12(23), 81-114 [In Persian].
- Abdollahi, A., and Rahimi, A. (2017). Social construction of the policies of increasing of childbearing and leading obstacles: A case study of internet users. *Women's Strategic Studies*, 20(77), 35-60 [In Persian].
- Abo-Zaid, S. (2021). On the determinants of fertility: evidence from developing and developed countries, *The Journal of Developing Areas*, 55 (4), 187-209.
- Aghajanian, A., and Mehryar, A. (1999). Fertility transition in the islamic republic of iran: 1976-1996, *Asia-Pacific Population Journal*, 14 (1), 21-42.
- Aghayari Hir, T., Farokhi Nekarestan, M., and Latifi Mojreh, S. (2016). Childbearing as risk: (qualitative study of milieu for bearing few children in Tabriz City). *Women's Strategic Studies*, 19(73), 7-33 [In Persian].
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50 (2), 179-211.
- Ajzen, I. (2005). *Attitudes personality and behaviour*, England: Open University Press.
- Ajzen, I., and Klobas, J. (2013). Fertility intentions: an approach based on the theory of planned behavior, *Demographic Research*, 29 (8), 203-232.
- Allan, G., Hawker, S., and Crow, G. (2001). Family diversity and change in britain and western europe, *Journal of Family Issues*, 22 (7), 819-837.
- Arpino, B., and Bellani, D. (2018). *Better an egg today than a stork tomorrow? risk aversion and fertility decisions in italy*, Brussels.
- Arpino, B., Luppi, F., and Rosina, A. (2021). Changes in fertility plans during the COVID-19 pandemic in Italy: The role of occupation and income vulnerability, <https://osf.io/preprints/socarxiv/4sjvm/download>, (14 Apr. 2021).
- Aruma, E.O., and Hanachor, M. E. (2017). Abraham maslow's hierarchy of needs and assessment of مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰). محاسبه باروری کل با روش مستقیم با منابع مختلف داده به تفکیک استان ۹۹-۱۳۹۵، <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/barv.ari.pdf>, (۱۴۰۱/۲/۱۳).
- نیومن، و.ل. (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی، برگردان ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز، تهران: نشر ترمه.
- یاری، ح. و هزارجریبی، ج. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان: مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۴)، ۳۹-۵۸.

References

- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P., and Hosseini-Chavoshi, M. (2009). *The fertility transition in Iran: revolution and reproduction*, New York: Springer.
- Abbasi-Shavazi M.J., and Khaje-Salehi, Z., (2013). Womens' Autonomy, social participation, and education and its impact on Childbearing Intention in Sirjan City, *Women in Development and Politics*, 11(1), 45-64 [In Persian].
- Abbasi-Shavazi, M.J., Razeghi-Nasrabad, H., and Hosseini-Chavoshi, M. (2020). Socio-economic security and fertility intention in Tehran City. *Journal of Population Association of Iran*, 15(29), 211-238 [In Persian].
- Abbasi-Shavazi, M.J., and Mc Donald, P. (2006). Fertility decline in the islamic republic of Iran: 1972-2000, *Asian Population Studies*, 2 (3), 217-237.
- Abbasi-Shavazi, M.J., and Askari-Nodoushan, A., (2005). Family change and fertility decline in Iran: A case study of Yazd province, *Journal of Social Sciences*, 25, 75-25 [In Persian].
- Abbasi-Shavazi, M.J., Hosseini-Chavoshi, M., Bani-Hashemi, F., Bani-Hashemi, F., Fathi, E., Mirzaei, S., Nasiripour, M., Javid, N.M., Abbasi, A., Sarkheil, B., and Hosseini, S.M. (2020). *Fertility Changes in Iran: 1992-2016*. Tehran: Statistical Research and Training Centre [In Persian].
- Abbasi-Shavazi, M. J., and Hosseini-Chavoshi, M., and Banihashemi, F. (2013). *Fertility Transition in the Past Four Decades in Iran: Assessment and application of the own-children method for estimating fertility using the 1986-2011 censuses in Iran*, Tehran: Statistical Research and Training Centre [In Persian].

- <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/fertility.fathi2.pdf>
- Finch, N., and Bradshaw, J. (2003). Fertility and supporting the costs of children Paper presented at the conference on recent fertility trends in northern europe, <https://www-users.york.ac.uk/~jrb1/documents/fertilityandsupporting.pdf>, (2022/ 3/12).
- Fishbein, M., and Ajzen, I. (1975). *Belief, attitude, intention, and behavior: an introduction to theory and research*, MA: Addison-Wesley.
- Foroutan, Y., Saeidi-Madani, M., Askari-Nodoushan, A., and Ashkaran, R. (2014). Gender preferences in neka, mazandaran province: patterns and determinants. *Journal of Population Association of Iran*, 9(17), 171-197 [In Persian].
- Giddens, A. (1994). *Reflexive modernization: politics, tradition, and aesthetics in the modern social order, with ulrich beck and scott lash*, California: Stanford University Press.
- Gietel-Basten, S. (2015). *Individualization risk society and ultra-low fertility, Plenary Lecture Delivered at Third Asian Population Conference*, Kuala Lumpur.
- Hamidifar, M., Kanani, M., and Ebadollahi-Chanzanagh, H. (2017). Risk society and childbearing: A study in the city of rasht, *Journal of Population Association of Iran*, 11(22), 101-135 [In Persian].
- Heaton, T. B. (1990). Marital stability throughout the child-rearing years, *Demography*, 27 (1), 55-63.
- Hoffman, L. W., and Manis, J. D. (1979). The value of children in the united states: a new approach to the study of fertility, *Journal of Marriage and the Family*, 41 (3), 583-596.
- Husain, Z., and Dutta, M. (2016). *Fertility control in a risk society: analyzing contraception choice of urban elites in india*, New Delhi: Springer.
- Jahangiri, J., Ahmadi, H., Tabiee, M., and Moltafet, H. (2014). Construction of one-child women understanding of childbearing challenges (Participants: One- Child Women of Ahvaz). *Quarterly Journal of Social Development*, 9(1), 85-110 [In Persian].
- Kagitcibasi, C. (1998). The value of children: A key to gender issues, *International Child Health*, 9 (1), 15-24.
- Kanani, M., and Bakhshi, S., (2014). Spread of individualization and the problem of childbearing reduction: a study in the city of Rasht. *Journal of Population Association of Iran*, 9(18), 1-25 [In Persian].
- Khalajabadi Farahani, F., and Saraei, H. (2013). Intention for single child and it's determinants amongst men and women owned one child under needs in community development, *International Journal of Development and Economic Sustainability*, 5 (7), 15-27.
- Atoh, M., Kandiah, V., and Ivanov, S. (2004). The second demographic transition in asia? comparative analysis of the low fertility situation in east and south-east asian countries, *The Japanese Journal of Population*, 2 (1), 42-75.
- Beck, U., and Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: institutionalized individualism and its social and political consequence*, London: Sage.
- Becker, G. (1991). *A treatise on the family*, Harvard University Press: Cambridge.
- Bellani, D., Arpino, B., and Vignoli, D. (2021). Time preferences and fertility: evidence from Italy, *Demographic Research*, 44 (50), 1185-1228.
- Billari, F. C., and Tabellini, G. (2010). *Italians are late: does it matter? demography and the economy*, Chicago: University of Chicago Press.
- Caldwell, J. C. (2006). *The globalization of fertility behavior in demographic transition theory* springer, Dordrecht.
- Caldwell, J.C. (1982). *Theory of fertility decline*, New York: Academic Press.
- Cavalli, L., and Klobas, J. (2013). How expected life and partner satisfaction affect women's fertility outcomes: the role of uncertainty in intentions, *Population Review*, 52 (2), 70-86.
- Davis, K., and Blake, J. (1956). Social structure and fertility: An analytical framework, *Economic Development and Cultural Change*, 4 (2), 211-235.
- Dommermuth, L., Klobas, J., and Lappegård, T. (2015). Realization of fertility intentions by different time frames, *Advances In Life Course Research*, 24, 34-46.
- Easterlin, R. A. (1987). *Birth and fortune: the impact of numbers on personal welfare*, New York: Academic Press.
- Erfani, A. (2012). *The 2009 Tehran Survey of Fertility, Research Report, Asia-Pacific Population Studies and Research Center*, Tehran [In Persian].
- Erfani, A., and Shojaei, J. (2019). Reasons for intending to have no children Tehran, Iran. *Community Health*, 6(2), 116-129 [In Persian].
- Esteve, A., Lesthaeghe, R., and López-Gay, A. (2012). The latin american cohabitation boom 1970-2007, *Population and Development Review*, 38 (1), 55-81.
- Fahlén, S., and Oláh, L. (2018). Economic uncertainty and first-birth intentions in europe, *Demographic Research*, 39 (28), 795-834.
- Fathi, A., (2020). *Iran's fertility trend from 2017 to 2020*. Tehran: Statistics Center of Iran, online access (3 May 2022) from:

- fertility, *People and Place*, 9 (3), 17-28.
- Mitchell, D., and Gray, E. (2007). Declining fertility: intentions attitudes and aspirations, *Journal of Sociology*, 43 (1), 23-44.
- Mohammadpur, A. (2013). *Qualitative research method counter method: the practical stages and procedures in qualitative methodology*. Tehran: Jameshenasan [In Persian].
- Mousavi, S.F., and Ghafelebashi, M. (2014). A study of attitudes towards childbearing in young families of Qazvin City, *Woman and Family Studies*, 1(2), 111- 134 [In Persian].
- Motlagh, M.S., Taheri, M., Eslami, M., and Nasrollahpour Shirvani, D. (2016). Factors affecting the fertility preferences in iranian ethnic groups, *The Journals of Urmia Nurs Midwifery Fac*, 14(6), 485-495 [In Persian].
- Murphy, M., and Wang, D. (2001). Family-level continuities in childbearing in low-fertility societies, *European Journal of Population*, 17 (1), 75-96.
- Neuman, W. L. (2009). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, (7th edition), Boston: Pearson.
- Ojaghlo, S., Moradi, A., Qasemi, E., and Arshadi, J. (2014). Generational changes of child value and childbearing behavior of women before and after Islamic Revolution (Case study: Zanjan City). *Journal of Woman in Culture and Arts*, 6(3), 409-425 [Persian].
- Parvinian, F., Rostamalizadeh, V., and Habibi, R. (2019). The effects of women's modern lifestyle on their fertility and childbearing – a case study in Qazvin City, *Quarterly Journal of Women and Society*, 9(36), 39-72 [In Persian].
- Petersen, W. (1961). *Population*, New York: Macmillan.
- Quesnel-Vallée, A., and Morgan, S. P. (2003). Missing the target? correspondence of fertility intentions and behavior in the US, *Population Research and Policy Review*, 22 (5), 497-525.
- Razavizadeh, N., Ghafarian, E., and Akhlaqi, A. (2015). Grounds for low child seeking and delay in child bearing (Case Study: Mashhad Women). *Journal of Strategy for Culture*, 8(31), 73-98 [In Persian].
- Razeghi Nasrabad, H., and Saraei, H. (2014). A cohort analysis of women's attitude towards value of children in semnan province. *Woman in Development and Politics*, 12(2), 229-250 [In Persian].
- Sadeghi, H., and Saraie, H. (2016). Effective factors on mothers' inclination to have children in Tehran *Social Development & Welfare Planning*, 8(27), 1-32 [In Persian].
- five in Tehran, *Journal of Population Association of Iran*, 7(13), 118-148 [In Persian].
- Khalajabadi Farahani, F., and KianiAliabadi, F. (2018). Rethinking the meaning & implications of child in life; a qualitative approach among voluntary childless married women in Tehran, *Journal of Population Association of Iran*, 13(25), 67-106 [In Persian].
- Kohler, H. P., Billari, F. C., and Ortega, J. A. (2001). Towards a theory of lowest low fertility. max planck institute for demographic research. rostock, Working Paper WP 2001-032
- Kreyenfeld, M., Andersson, G., and Pailhé, A. (2012). Economic uncertainty and family dynamics in europe: introduction, *Demographic Research*, 27 (28), 835-852.
- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition, *Population and Development Review*, 36 (2), 211-251.
- Lesthaeghe, R. (2020). The second demographic transition, 1986–2020: sub-replacement fertility and rising cohabitation—a global update, *Genus*, 76 (10), 1-38.
- Lesthaeghe, R. and Surkyn, J. (2012). When history moves on: foundations and diffusion of a second demographic transition, in: Jayakody, R., Thorton, A., Axinn, W. (eds.) international family change: ideational perspectives mahwah nj: lawrence erlbaum and associates.
- Lincoln, Y. S., and Guba, E.G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publication.
- Luo, H., and Mao, Z. (2014). From fertility intention to fertility behaviour: an empirical study in china's jiangsu province based on the theory of planned behavior, *Asian Population Studies*, 10 (2), 195-207.
- Lutz, W., Skirbekk, V., and Testa, M. R. (2006). The low-fertility trap hypothesis: forces that may lead to further postponement and fewer births in europe, *Vienna Yearbook of Population Research*, 4, 167–192.
- Mahmoudian, H., Mohammadpour, A., and Rezaei, M. (2009). The contexts of low childbearing in kurdistan: The case study of Saghez City, *Journal of Population Association of Iran*, 4 (8), 85-122 [Persian].
- McDonald, P. (1995). *Families in australia: A socio-demographic perspective*, Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
- McDonald, P. (2000). The toolbox of public policies to impact on fertility—a global view. Paper presented at the seminar low fertility, families and public policies, *Organized by The European Observatory On Family Matters In Sevilla*, Spain.
- McDonald, P. (2001). Work-family policies are the right approach to the prevention of very low

- Saraei, H. (2015). Population reproduction of iran: current status and some policy considerations. *Social Sciences*, 22(68),1-35 [In Persian].
- Schoen, R., Kim, Y. J., Nathanson, C. A., Fields, J., and Astone, N. M. (1997). Why do americans want children?, *Population and Development Review*, 23 (2), 333-358.
- Shojaei, J., and Yazdkhasti, B. (2017). One-child living experience: A study of girls over 18 years. *Woman in Development and Politics*, 15(4), 447-476 [In Persian].
- Tavousi, M., Haerimehrizi, A., Sadighi, J., Esmaeil Motlagh, M., Eslami, M., Naghizadeh, Anbari, M., Hashemi, A., and Montazeri, A.F. (2017). Fertility desire among Iranians: a nationwide study, *Payesh*, 16 (4), 401-410. [In Persian].
- Torkian Valashani, S., ZamaniAlavijeh, F., Heidari, Z., Shoushtari Moghadam, E. (2019). Fertility desire: Facilitators and inhibitors, *Payesh*, 18 (3), 241-249 [In Persian].
- United Nations Department of Economic and Social Affairs. (2021). Trust in public institutions: trends and implications for economic security, <https://www.un.org/development/desa/dspd/2021/07/trust-public-institutions>, (2022/3/11).
- Van de Kaa, D.J. (1987). Europe's second demographic transition. *Population Bulletin*, 42 (1), 1-59.
- Van de Kaa, D.J. (2001). Postmodern fertility preferences: from changing value orientation to new behavior, *Global Fertility Transition Population and Development Review*, 27 (1), 290-331.
- Weston, R., and Parker, R. (2002). Why is the fertility rate falling? a discussion of the literature, *Family Matters*, 63, 6-13.
- Wilson, C. (2001). On the scale of global demographic convergence 1950-2000, *Population and Development Review*, 27 (1), 155-171.
- Yari, H., and Hezar Jaribi, J. (2012). A study of the relationship between feeling of security and social trust among citizens of Kermanshah City, *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 1(4), 39-58 [In Persian].

